Submit Date: 03 August 2026
Revise Date: 06 November 2026
Accept Date: 14 November 2026
Initial Publish: 18 November 2026
Final Publish: 23 October 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

An Examination of the Jurisprudential and Legal Foundations of the Legal Personality of Commercial Companies

Abolfazl Shahmohammadi Azar[1], Seyyed Mehdi Ghoreishi*[2]

1. PhD Student, Department of Private Law, Urmia University, Urmia, Iran
2. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Urmia University, Urmia, Iran

* Corresponding Author's Email: sm.gorshi@urmia.ac.ir

ABSTRACT

Legal personality is one of the fundamental institutions of company law through which a commercial company is recognized as an entity independent from its shareholders, partners, and directors and is capable of possessing rights, obligations, assets, liabilities, and legal capacity in its own name. The significance of this institution lies in the fact that many essential consequences of corporate organization, including the separation of corporate assets, continuity of the company, capacity to enter into contracts, standing in legal proceedings, and distinction between corporate obligations and the personal obligations of shareholders, depend on recognition of independent legal personality. Despite the established position of legal personality in positive law, its jurisprudential foundations remain an important theoretical and practical issue in the Iranian legal system. This study adopts a descriptive-analytical method based on library research to examine the jurisprudential and legal foundations of the legal personality of commercial companies. The findings indicate that although the modern technical concept of legal personality was not explicitly discussed in classical Imami jurisprudence, this does not prevent its recognition through the broader capacities of Islamic legal principles. Rational convention, custom and the conduct of rational persons, the presumption of validity, fulfillment of lawful commitments, respect for property, the no-harm rule, and the prohibition of abuse of rights provide significant foundations for recognizing the company as an independent legal entity. Iranian law also recognizes corporate personality through the overall framework governing formation, registration, management, assets, liabilities, dissolution, and liquidation. Nevertheless, uncertainties remain regarding the limits of corporate separateness, single-member companies, corporate groups, and the exceptional circumstances in which the corporate veil may be disregarded. The study concludes that corporate legal personality is compatible with the principles of Imami jurisprudence, provided that corporate separateness is not used as an instrument of fraud, harm, or evasion of legal responsibility.

Keywords: *Legal Personality, Commercial Companies, Imami Jurisprudence, Company Law, Separate Assets, Piercing the Corporate Veil.*

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

How to cite: Shahmohammadi Azar, A. & Ghoreishi, S. M. (2027). An Examination of the Jurisprudential and Legal Foundations of the Legal Personality of Commercial Companies. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *5*(4), 1-25.

تاریخ ارسال: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۵ آبان ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۳ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی مبانی فقهی و حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری

ابوالفضل شاه محمدی آذر[۱]، سید مهدی قریشی[۲*]

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: sm.gorshi@urmia.ac.ir

چکیده

شخصیت حقوقی یکی از اساسی‌ترین نهادهای حقوق شرکت‌های تجاری است که به موجب آن شرکت به‌عنوان موجودیتی مستقل از شرکا و مدیران شناخته می‌شود و می‌تواند دارای حقوق، تعهدات، دارایی، مسئولیت و اهلیت مستقل باشد. اهمیت این نهاد از آن جهت است که بسیاری از آثار بنیادین شرکت‌های تجاری، از جمله استقلال دارایی، استمرار فعالیت شرکت، قابلیت انعقاد قرارداد، اقامه دعوا و تفکیک تعهدات شرکت از تعهدات شخصی شرکا، بر پذیرش شخصیت حقوقی استوار است. با وجود جایگاه تثبیت‌شده شخصیت حقوقی در حقوق موضوعه، تبیین مبانی فقهی آن در نظام حقوقی ایران همچنان دارای اهمیت نظری و کاربردی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، مبانی فقهی و حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند اصطلاح شخصیت حقوقی با مفهوم امروزی آن در منابع کلاسیک فقه امامیه مطرح نشده است، این امر مانع پذیرش آن بر اساس ظرفیت‌های عمومی فقه نیست. اعتبار عقلایی، عرف و سیره عقلا، اصل صحت، وفای به عهد، احترام به اموال، قاعده لاضرر و منع سوءاستفاده از حق از مهم‌ترین مبانی قابل استناد برای توجیه شخصیت مستقل شرکت هستند. در حقوق ایران نیز مجموعه مقررات مربوط به تشکیل، ثبت، اداره، دارایی، مسئولیت، انحلال و تصفیه شرکت‌ها نشان‌دهنده پذیرش شخصیت مستقل شرکت تجاری است. با این حال، ابهاماتی در زمینه حدود استقلال شخصیت، وضعیت شرکت‌های تک‌عضوی و گروه شرکت‌ها و شرایط عبور از شخصیت حقوقی وجود دارد. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری با مبانی فقه امامیه قابل جمع است، مشروط بر آنکه استقلال شرکت به ابزاری برای تقلب، اضرار یا فرار از مسئولیت تبدیل نشود.

کلیدواژگان: *شخصیت حقوقی، شرکت‌های تجاری، فقه امامیه، حقوق تجارت، استقلال دارایی، عبور از شخصیت حقوقی.*

نحوه استناددهی: شاه محمدی آذر، ابوالفضل.، و قریشی، سید مهدی. (۱۴۰۶). بررسی مبانی فقهی و حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۴)، ۱-۲۵.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

شرکت‌های تجاری در ساختار اقتصاد معاصر صرفاً قالب‌هایی قراردادی برای اجتماع سرمایه یا همکاری چند شخص محسوب نمی‌شوند، بلکه به نهادهایی مستقل و سازمان‌یافته تبدیل شده‌اند که بخش قابل توجهی از روابط اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع، اشتغال و مبادلات تجاری از طریق آن‌ها سامان می‌یابد. گسترش فعالیت شرکت‌ها و افزایش پیچیدگی روابط میان سهامداران، مدیران، طلبکاران، کارکنان و اشخاص ثالث موجب شده است که شناسایی جایگاهی مستقل برای شرکت در نظام حقوقی به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شود. در این میان، شخصیت حقوقی یکی از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق شرکت‌ها است؛ زیرا بسیاری از آثار مهم شرکت، از جمله مالکیت مستقل دارایی، برخورداری از اهلیت معاملاتی، امکان اقامه دعوا و طرف دعوا قرار گرفتن، استمرار موجودیت با وجود تغییر شرکا و تفکیک تعهدات شرکت از تعهدات اعضای آن، بر پذیرش همین مفهوم استوار است. در حقوق تجارت ایران نیز شرکت تجاری پس از تحقق شرایط قانونی، اصولاً به‌عنوان موجودیتی متمایز از شرکا شناخته می‌شود و روابط آن با اشخاص ثالث صرفاً بر پایه رابطه مستقیم میان شرکا قابل توضیح نیست. پاسبان در تبیین نظام حقوق شرکت‌ها، استقلال شخصیت شرکت را از عناصر محوری ساختار شرکت تجاری می‌داند که آثار آن بر دارایی، تعهدات و مناسبات داخلی و خارجی شرکت قابل مشاهده است (Pasban, 2021). مجاهد نیز در بررسی تطبیقی شخصیت حقوقی شرکت در حقوق ایران و انگلستان نشان می‌دهد که مفهوم شخصیت حقوقی نقش محوری در تمایز میان شرکت به‌عنوان یک سازمان مستقل و اشخاص تشکیل‌دهنده آن دارد (Mojahed, 2022).

با وجود تثبیت شخصیت حقوقی در حقوق موضوعه، تبیین مبانی نظری و به‌ویژه فقهی آن همچنان یکی از مسائل قابل بحث در حقوق شرکت‌ها به شمار می‌رود. شخصیت طبیعی انسان بر واقعیتی خارجی مبتنی است، اما شخصیت حقوقی حاصل شناسایی و اعتبار حقوقی است و از این حیث این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان موجودی غیرانسانی را صاحب حق، تکلیف، مال، دین و مسئولیت تلقی کرد. این پرسش در نظام حقوقی ایران اهمیت مضاعف دارد، زیرا بخش قابل توجهی از قواعد حقوق خصوصی و تجارت باید با مبانی فقه امامیه سازگار باشد. در منابع سنتی فقه، شرکت غالباً در قالب اجتماع حقوق مالکان در مال یا در قالب عقود مشارکتی تحلیل شده و ساختار پیچیده شرکت سهامی مدرن با دارایی مستقل، مدیریت نهادی، سهام قابل انتقال و استمرار حیات مستقل از اعضا، با همان صورت کنونی موضوع بحث فقهای متقدم نبوده است. احمدیان در مطالعه مشروعیت و احکام شرکت‌های سهامی، به همین فاصله میان ساختار شرکت‌های سنتی فقهی و سازمان حقوقی شرکت سهامی جدید توجه کرده و پذیرش شرکت‌های نوین را نیازمند تحلیل فراتر از انطباق ساده آن‌ها با قالب‌های کلاسیک شرکت دانسته است (Ahmadian, 2022). گودرزی و علمی سولا نیز در بازخوانی فقهی و حقوقی برخی اقسام شرکت نشان داده‌اند که مفهوم شرکت در فقه واجد تنوع و محدودیت‌های خاص خود است و نمی‌توان همه اشکال سازمان‌های تجاری معاصر را بدون تحلیل مبنایی در قالب همان تقسیم‌بندی‌های سنتی جای داد (Goudarzi & Elmi Soula, 2021).

شخصیت حقوقی شرکت را باید در پیوند با تحول مفهوم شرکت از یک رابطه قراردادی میان چند شریک به یک سازمان مستقل حقوقی بررسی کرد. در مشارکت‌های ساده، محور تحلیل حقوقی بر حقوق و تعهدات شرکا متمرکز است، در حالی که در شرکت تجاری سازمان‌یافته، خود شرکت به مرکز انتساب مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف تبدیل می‌شود. بدین‌ترتیب، مالی که شرکا به شرکت وارد می‌کنند صرفاً مال مشاع آنان باقی نمی‌ماند، بلکه در چهارچوب ساختار حقوقی شرکت به دارایی متعلق به شخص

حقوقی تبدیل می‌شود. قراردادهایی که مدیران در حدود اختیارات خود منعقد می‌کنند اصولاً به نام و حساب شرکت منعقد می‌شوند و طلبکار شرکت نیز در درجه نخست با دارایی شرکت مواجه است، نه با مجموعه دارایی‌های شخصی شرکا. همین انتقال مرکز ثقل روابط از «اشخاص شریک» به «سازمان شرکت» است که اهمیت شخصیت حقوقی را آشکار می‌کند. مغیمی در تحلیل ویژگی‌ها و مسئولیت‌های شرکت‌های تجاری به استقلال شخصیت و آثار تفکیک شرکت از اعضای آن به‌عنوان یکی از وجوه تعیین‌کننده ساختار شرکت توجه دارد (Moghimi, 2021). پژوهش میرزاخانی نفچی و همکاران نیز میان مبانی حقوقی تشکیل شرکت و رژیم مسئولیت شرکا ارتباط برقرار کرده و نشان می‌دهد که نحوه شناسایی شرکت به‌عنوان یک واحد حقوقی مستقل مستقیماً بر نحوه توزیع مسئولیت اثر می‌گذارد (Mirzakhani Nafchi et al., 2025).

با این حال، استقلال شخصیت حقوقی نباید با استقلال مطلق و غیرقابل کنترل اشتباه گرفته شود. شخصیت حقوقی ابزاری برای سامان‌دهی فعالیت جمعی، حفاظت از ثبات روابط تجاری و تفکیک مسئولیت‌ها است، اما همین ابزار می‌تواند در صورت استفاده نامشروع به وسیله‌ای برای تقلب، فرار از دین، انتقال صوری دارایی، تضییع حقوق طلبکاران یا پنهان ساختن رفتار واقعی اشخاص کنترل‌کننده شرکت تبدیل شود. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی در کنار شناسایی اصل استقلال شخصیت شرکت، در موارد استثنایی امکان عبور از پوشش شخصیت حقوقی را پذیرفته‌اند. ماراش و گولیچ نظریه عبور از شخصیت حقوقی را سازوکاری استثنایی برای مقابله با سوءاستفاده از استقلال شرکتی معرفی می‌کنند (Maraš & Golić, 2021). سباستیانی نیز مسئله مسئولیت محدود و عبور از حجاب شرکت را از منظر عدالت تحلیل کرده و نشان می‌دهد که حفظ استقلال شرکت زمانی قابل دفاع است که این استقلال به نقض حقوق دیگران منجر نشود (Sebastiani, 2021). تسنگ و انگ نیز تفکیک میان مسئولیت مستقیم اشخاص و عبور از شخصیت حقوقی را برجسته کرده‌اند و نشان می‌دهند که حتی در نظام‌هایی که معیارهای عبور از شخصیت سخت‌گیرانه است، راه‌های دیگری برای انتساب مستقیم مسئولیت به اشخاص کنترل‌کننده وجود دارد (Tsang & Ng, 2022). این مباحث نشان می‌دهد که تحلیل شخصیت حقوقی تنها به اثبات استقلال شرکت محدود نیست، بلکه باید حدود، آثار و استثناهای آن را نیز روشن کند.

اهمیت فقهی مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که شخصیت حقوقی در قالب یک «اعتبار عقلایی» مورد مطالعه قرار گیرد. بسیاری از مفاهیم حقوق خصوصی، مانند مالکیت، دین، حق، نمایندگی و قرارداد، افزون بر منشأ قانونی، ماهیتی اعتباری دارند و اعتبار آن‌ها از نیازهای اجتماعی و روابط عقلایی ناشی می‌شود. از این منظر، این امکان وجود دارد که جامعه عقلایی، مجموعه سازمان‌یافته‌ای مانند شرکت را طرف حقوق و تکالیف قرار دهد و شارع نیز در صورت فقدان منع، آن اعتبار را بپذیرد. مباحث فقهی مربوط به اصل لزوم، وفای به تعهدات، احترام به اموال، منع اضرار و پذیرش عرف و سیره عقلایی، ظرفیت‌هایی برای توضیح مشروعیت آثار شخصیت حقوقی فراهم می‌کنند. محقق داماد در بررسی قواعد فقهی حوزه اموال و مسئولیت، نقش قواعد عام فقه در سامان‌دهی روابط مالی و مسئولیت‌های ناشی از آن را برجسته می‌سازد (Mohaghegh Damad, 2025). مصباح نیز در تحلیل تطبیقی قاعده لاضرر نشان می‌دهد که این قاعده از ظرفیت مهمی برای کنترل نتایج زیان‌بار روابط حقوقی برخوردار است (Mesbah, 2021). کوچکی نیز در بررسی قاعده لاضرر از دیدگاه فقهای امامیه بر جایگاه این قاعده در جلوگیری از تثبیت وضعیت‌های حقوقی زیان‌بار تأکید می‌کند (Kouchaki, 2025). چنین مبانی‌ای می‌تواند نه‌تنها در اصل پذیرش نهادهای جدید، بلکه در تعیین حدود اعمال شخصیت حقوقی نیز نقش داشته باشد.

در تحلیل حقوقی شخصیت شرکت باید میان «وجود شخصیت حقوقی» و «آثار مترتب بر آن» تفکیک کرد. قانون ممکن است شرکت را شخص حقوقی بشناسد، اما دامنه اهلیت، زمان آغاز شخصیت، نحوه پایان آن، مسئولیت شرکت، استقلال اموال و امکان انتساب رفتار مدیران به آن نیازمند قواعد تکمیلی است. همین نکته موجب می‌شود که شخصیت حقوقی را نتوان صرفاً با یک ماده قانونی یا یک تعریف نظری توضیح داد. داراب‌پور و همکاران در بیان اصول و مبانی حقوق تجارت داخلی، شرکت و روابط تجاری را در پیوند با مجموعه قواعد سازمانی، معاملاتی و مسئولیتی تحلیل می‌کنند (Darabpour et al., 2023). غیث عبدالرحمن حمود نیز در مطالعه تطبیقی حقوق تشکیل شرکت در عراق و ایران نشان می‌دهد که تشکیل قانونی شرکت و شناسایی آثار سازمانی آن مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از مقررات را تشکیل می‌دهد (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024). در نتیجه، شخصیت حقوقی باید به‌عنوان چارچوبی حقوقی برای سازمان‌دهی مجموعه‌ای از روابط مورد توجه قرار گیرد، نه صرفاً نامی که قانون به شرکت اعطا می‌کند.

از سوی دیگر، شکل‌گیری شرکت‌های تک‌عضوی، شرکت‌های مادر و تابع، گروه شرکت‌ها و ساختارهای پیچیده مالکیتی پرسش‌های جدیدی درباره مرزهای شخصیت حقوقی ایجاد کرده است. در شرکت سنتی، تفکیک میان شرکت و چند شریک نسبتاً روشن است؛ اما در شرکت تک‌عضوی، شخص واحد عملاً مالک همه منافع اقتصادی شرکت است، در حالی که از حیث حقوقی شرکت همچنان شخصی مستقل محسوب می‌شود. موسوی مبارکه در تحلیل ماهیت فقهی و حقوقی شرکت‌های تک‌عضوی در ایران و انگلستان، همین چالش را مورد توجه قرار داده است (Mousavi Mobarakeh, 2023). در گروه شرکت‌ها نیز هر شرکت ممکن است شخصیت مستقلی داشته باشد، در حالی که تصمیمات اقتصادی در سطح شرکت مادر یا مرکز گروه اتخاذ شود. باقرنژاد با بررسی شرکت‌های مادر و تابعه در ایران و کامن‌لا نشان می‌دهد که استقلال صوری اشخاص حقوقی متعدد ممکن است با وحدت واقعی مدیریت و کنترل اقتصادی همراه شود (Baghernejad, 2023). از این رو، نظریه شخصیت حقوقی باید بتواند هم استقلال سازمانی شرکت را حفظ کند و هم در برابر ساختارهایی که از این استقلال برای فرار از مسئولیت استفاده می‌کنند پاسخ مناسبی ارائه دهد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین مبانی فقهی و حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری و ارزیابی میزان سازگاری میان استقلال شخصیت شرکت در حقوق موضوعه و اصول قابل استنباط از فقه امامیه است. هدف این پژوهش آن است که نشان دهد شخصیت حقوقی شرکت صرفاً یک اقتباس شکلی از حقوق مدرن نیست، بلکه می‌توان آن را بر پایه ظرفیت‌های حقوق خصوصی و مبانی فقهی تحلیل و توجیه کرد؛ در عین حال، پذیرش شخصیت مستقل شرکت نباید مانع اعمال قواعد عدالت، منع اضرار، منع سوءاستفاده از حق و حمایت از اشخاص ثالث شود. بر این اساس، بررسی مفهوم و آثار شخصیت حقوقی، تحلیل مبانی فقهی آن و ارزیابی جایگاه این نهاد در حقوق ایران سه محور اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهد و در نهایت تلاش می‌شود تصویری منسجم از رابطه میان اعتبار عقلایی شرکت، شناسایی قانونی شخصیت و حدود استقلال آن ارائه شود.

مفهوم، ماهیت و آثار حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری

شخصیت حقوقی در ساده‌ترین برداشت، وصفی است که به موجب آن یک واحد غیرانسانی می‌تواند در چهارچوب نظام حقوقی دارنده حق و تکلیف باشد. این تعریف در ظاهر ساده است، اما در عمل مجموعه‌ای از مسائل نظری را در خود جای داده است. انسان به اعتبار وجود طبیعی خود موضوع حقوق قرار می‌گیرد، ولی شرکت فاقد اراده، جسم و آگاهی طبیعی است و تنها

از طریق ساختار سازمانی و اشخاصی که به نام آن عمل می‌کنند در روابط حقوقی حضور پیدا می‌کند. از همین رو، نظریه‌پردازان حقوقی برای توضیح شخصیت اشخاص حقوقی از دیدگاه‌های متفاوتی مانند نظریه فرض، نظریه واقعیت، نظریه سازمان و نظریه اعتبار استفاده کرده‌اند. آنچه در حقوق شرکت‌ها اهمیت عملی دارد این است که صرف‌نظر از توصیف فلسفی شخصیت، نظام حقوقی شرکت را مرکزی مستقل برای انتساب حقوق، تعهدات و آثار اعمال حقوقی می‌شناسد. پاسبان شخصیت شرکت را یکی از پایه‌های اصلی حقوق شرکت‌های تجاری معرفی می‌کند که بدون آن استقلال دارایی و استمرار سازمانی شرکت قابل توضیح کامل نیست (Pasban, 2021). مجاهد نیز نشان می‌دهد که در حقوق شرکت‌ها مفهوم شخصیت حقوقی زمینه تفکیک وضعیت حقوقی شرکت از وضعیت اعضای آن را فراهم می‌کند (Mojahed, 2022).

ماهیت اعتباری شخصیت حقوقی به این معنا نیست که آثار آن غیرواقعی یا صوری است. هنگامی که قانون برای شرکت اهلیت مالکیت، قرارداد و دادرسی قائل می‌شود، این آثار در روابط اجتماعی و اقتصادی کاملاً واقعی هستند. شرکت می‌تواند ملکی را خریداری کند، حساب بانکی داشته باشد، بدهکار یا طلبکار شود، مسئول جبران خسارت قرار گیرد و علیه دیگری طرح دعوا کند. بنابراین، شخصیت حقوقی پلی میان واقعیت سازمانی شرکت و زبان حقوقی است. اجتماع سرمایه، تصمیم‌گیری جمعی، مدیریت سازمان‌یافته و استمرار فعالیت اقتصادی واقعیت‌هایی اجتماعی هستند و شخصیت حقوقی ابزار حقوقی تبدیل این واقعیت‌ها به یک واحد قابل شناسایی در نظام حقوقی است. این رویکرد با تحول شرکت از یک قرارداد ساده به یک سازمان اقتصادی پایدار همخوانی دارد. احمدیان در تحلیل شرکت‌های سهامی بر این واقعیت تأکید می‌کند که عناصر جدیدی مانند سهام، ساختار سازمانی و دارایی مستقل، شرکت سهامی را از مشارکت‌های سنتی متمایز کرده‌اند (Ahmadian, 2022). از همین جهت، ماهیت شرکت جدید را نمی‌توان تنها به قرارداد اولیه میان مؤسسان تقلیل داد.

مهم‌ترین اثر شخصیت حقوقی، استقلال دارایی شرکت از دارایی شرکا است. شرکا هنگام تأسیس یا افزایش سرمایه، اموالی را در اختیار شرکت قرار می‌دهند و در برابر آن حقوقی مانند سهم یا سهم‌الشرکه به دست می‌آورند، اما پس از انتقال سرمایه، نمی‌توان هر جزء از دارایی شرکت را مستقیماً متعلق به شریک خاصی دانست. شریک نسبت به شخصیت شرکت دارای حق است، نه اینکه مالک مستقیم هر یک از اموال شرکت باشد. این تفکیک امکان می‌دهد که دارایی شرکت وثیقه عمومی طلبکاران خود شرکت باشد و تغییر ترکیب سهامداران نیز مالکیت شرکت بر اموالش را مختل نکند. میرزاخانی نفچی و همکاران در بررسی مبانی تشکیل و مسئولیت شرکت تجاری، ارتباط میان تشکیل سازمان شرکت، استقلال دارایی و نحوه مسئولیت اعضا را مورد توجه قرار داده‌اند (Mirzakhani Nafchi et al., 2025). این استقلال همچنین از اختلاط بی‌ضابطه دارایی شرکت با دارایی شخصی اعضا جلوگیری می‌کند و مبنای حسابداری، تصفیه، ورشکستگی و حمایت از طلبکاران شرکت قرار می‌گیرد.

اثر مهم دیگر شخصیت حقوقی، استقلال تعهدات شرکت است. هنگامی که مدیر یا نماینده مجاز در حدود اختیارات خود قراردادی را به نام شرکت منعقد می‌کند، طرف قرارداد اصولاً خود شرکت است. بدهی ناشی از قرارداد نیز بر عهده شرکت قرار می‌گیرد و اجرای تعهد باید از دارایی آن انجام شود. این وضعیت با فرضی که همه شرکا مستقیماً طرف قرارداد باشند تفاوت بنیادین دارد. در شرکت‌های بزرگ با هزاران سهامدار، تصور انعقاد مستقیم قرارداد میان همه اعضا و طرف معامله نه ممکن است و نه با واقعیت فعالیت اقتصادی سازگار. شخصیت حقوقی به سازمان اجازه می‌دهد مستقل از تعداد یا تغییر اعضا وارد قرارداد شود. ماهرخ در

بررسی حقوق تشکیل شرکت در انگلستان، ساختار شرکت را بر پایه جدایی شخص حقوقی از اعضا تحلیل می‌کند (Mahrokh, 2025). در ادبیات تطبیقی نیز این استقلال از عناصر بنیادی شرکت مدرن است و بسیاری از مسائل مسئولیت محدود بر همین جدایی میان دین شرکت و دین سهامدار استوار می‌شوند.

استمرار موجودیت شرکت یکی دیگر از نتایج مهم شخصیت حقوقی است. در مشارکت‌های کاملاً شخص‌محور، فوت، حجر یا خروج شریک ممکن است اساس رابطه را متأثر سازد، اما شرکت دارای شخصیت مستقل می‌تواند با تغییر اشخاص عضو به حیات خود ادامه دهد. سهام شرکت سهامی ممکن است بارها میان اشخاص مختلف انتقال یابد، بدون آنکه شخصیت شرکت هر بار از نو ایجاد شود. همین استمرار موجب ثبات روابط با کارکنان، مشتریان، بانک‌ها، طلبکاران و نهادهای عمومی می‌شود. استقلال زمانی شخصیت شرکت از اشخاص عضو، زمینه تشکیل بنگاه‌هایی با عمر طولانی‌تر از مؤسسان را فراهم می‌کند. این ویژگی به‌ویژه در شرکت‌های سرمایه‌ای اهمیت دارد، زیرا هویت سازمانی شرکت به شخصیت شرکای معین وابسته نیست. تingle در بررسی جایگاه سهامداران نشان می‌دهد که تحلیل شرکت صرفاً بر مبنای مالکیت سهامداران نمی‌تواند تمام ابعاد حقوقی سازمان شرکتی را توضیح دهد (Tingle, 2021). چنین رویکردی مؤید آن است که شرکت را نباید صرفاً جمع جبری اعضای فعلی آن تلقی کرد.

اهلیت حقوقی شرکت نیز از شخصیت آن ناشی می‌شود. البته اهلیت شخص حقوقی با اهلیت انسان یکسان نیست؛ زیرا برخی حقوق به طبیعت انسانی وابسته‌اند و قابل انتساب به شرکت نیستند. با وجود این، شرکت در حدود موضوع، هدف و مقررات حاکم می‌تواند بخش گسترده‌ای از حقوق مالی و تجاری را دارا شود. داراب‌پور و همکاران در توضیح مبانی معاملات تجاری، نقش اهلیت و ساختار حقوقی تاجر و شرکت را در اعتبار عملیات تجاری برجسته می‌کنند (Darabpour et al., 2023). اهلیت شرکت با موضوع مندرج در اساسنامه، قوانین آمره و حدود اختیارات ارکان آن ارتباط دارد. بدین‌ترتیب، شخصیت حقوقی به معنی اختیار نامحدود نیست، بلکه ظرفیت حضور مستقل در روابط حقوقی در چهارچوب نظام قانونی است.

قابلیت اقامه دعوا و طرف دعوا واقع شدن نیز از مهم‌ترین آثار عملی شخصیت حقوقی است. اگر شرکت فاقد شخصیت مستقل بود، هر دعوا باید توسط یا علیه تک‌تک شرکا مطرح می‌شد و تغییر اعضا می‌توانست وضعیت دادرسی را مختل کند. شناسایی شرکت به‌عنوان طرف دعوا موجب تمرکز روابط دادرسی و افزایش قابلیت پیش‌بینی در معاملات می‌شود. این مسئله در دعاوی مربوط به قراردادهای تجاری، مسئولیت مدنی، مالکیت اموال و مطالبات اهمیت زیادی دارد. استقلال دادرسی همچنین نشان می‌دهد که حقوق شرکت صرفاً رابطه‌ای داخلی میان اعضا نیست، بلکه شرکت در برابر اشخاص ثالث یک هویت حقوقی مستقل دارد.

شخصیت حقوقی با مسئولیت محدود ارتباط نزدیک دارد، اما این دو مفهوم یکی نیستند. ممکن است یک شرکت شخصیت حقوقی داشته باشد ولی شرکای آن در برابر برخی دیون مسئولیت گسترده داشته باشند، یا قانون در شرایط خاص مسئولیت شخصی اعضا را برقرار کند. شخصیت حقوقی به استقلال «شخص» شرکت مربوط است، در حالی که مسئولیت محدود به دامنه مسئولیت مالی اعضا در برابر دیون آن مربوط می‌شود. سباستیانی این تفکیک را در بحث عدالت و مسئولیت محدود برجسته کرده و نشان می‌دهد که حمایت از سرمایه‌گذار از طریق محدود کردن مسئولیت باید با ملاحظات حمایت از طلبکاران متوازن شود (Sebastiani, 2021). وایدمایر نیز در بحث شرکت‌های دولتی و مسئولیت محدود نشان می‌دهد که استقلال شخصیت و محدودیت مسئولیت، هرچند به یکدیگر مرتبط‌اند، از لحاظ تحلیلی دارای کارکردهای متمایزند (Weidemaier, 2021). بنابراین، نمی‌توان هرگونه مسئولیت شخصی شریک را نفی شخصیت شرکت دانست.

اراده شخص حقوقی از مسائل نظری مهم است. شرکت فاقد ذهن طبیعی است، اما نظام حقوقی تصمیمات ارکان صلاحیت‌دار را به شرکت منتسب می‌کند. مجمع عمومی، هیئت‌مدیره، مدیرعامل یا سایر مدیران در حدود اختیارات خود اراده سازمانی شرکت را شکل می‌دهند. این سازوکار موجب می‌شود که فعل انسان‌های معین، نه به‌عنوان اقدام شخصی آنان، بلکه به‌عنوان عمل شرکت شناخته شود. ساختار هیئت‌مدیره از این منظر صرفاً ابزار اداره نیست، بلکه یکی از سازوکارهای ایجاد و اعلام اراده شخص حقوقی است. عابدینی و تراشیون در مطالعه تطبیقی ساختار هیئت‌مدیره در آلمان، چین و ایران نشان می‌دهند که نظام‌های حقوقی شیوه‌های متفاوتی برای سازمان‌دهی مدیریت و نظارت در شرکت به کار گرفته‌اند (Abedini & Tarashion, 2024). پاسبان و فراهانی نیز در بررسی مدیران مستقل در حقوق شرکت‌های آمریکا و ایران، جایگاه مدیران را در ساختار حاکمیت و کنترل شرکت تحلیل کرده‌اند (Pasban & Farahani, 2022). هرچند موضوع مدیریت از شخصیت حقوقی متمایز است، بدون وجود ارکان نماینده، شخصیت شرکت امکان بروز اراده در جهان حقوقی نخواهد داشت.

با این حال، انتساب اراده مدیران به شرکت نباید موجب مصونیت شخصی آنان در برابر اعمال متقلبانه یا خارج از اختیار شود. شخصیت حقوقی برای تسهیل سازمان فعالیت اقتصادی ایجاد شده و نباید به سپری برای رفتار ناروا تبدیل شود. باران‌زهی و همکاران در بررسی مسئولیت مدیران سایه نشان داده‌اند که حتی اشخاص فاقد عنوان رسمی ممکن است در صورت کنترل واقعی بر تصمیمات شرکت موضوع مسئولیت قرار گیرند (Baranzehi et al., 2024). این تحلیل نشان می‌دهد که حقوق معاصر در کنار صورت رسمی سازمان، به واقعیت کنترل و رفتار نیز توجه دارد. به همین دلیل، استقلال شخصیت حقوقی یک قاعده اساسی است اما مطلق نیست و قواعد مسئولیت می‌توانند در موارد خاص از سطح سازمان فراتر رفته و اشخاص مؤثر را هدف قرار دهند.

مفهوم «عبور از شخصیت حقوقی» دقیقاً در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند. اصل آن است که شخصیت شرکت باید محترم شناخته شود؛ زیرا بی‌اعتنایی گسترده به آن امنیت روابط تجاری را تضعیف می‌کند. اما اگر شرکت صرفاً به پوششی برای تقلب، فرار از تعهد یا تضییع حقوق دیگران تبدیل شود، پایبندی صوری به استقلال آن ممکن است نتیجه‌ای برخلاف عدالت ایجاد کند. ماراش و گولیچ عبور از حجاب شخصیت حقوقی را استثنایی بر اصل جدایی شرکت و اعضا می‌دانند (Maraš & Golić, 2021). پارگندلر نیز در بحث «نگاه از خلال حجاب شرکت» نشان می‌دهد که جدایی شرکت و اعضا در حوزه‌های مختلف مقرراتی ممکن است شدت یکسانی نداشته باشد و قانون در برخی زمینه‌ها اطلاعات و روابط پشت ساختار شرکت را مورد توجه قرار دهد (Pargendler, 2021). تسنگ و انگ نیز تأکید می‌کنند که مسئولیت مستقیم و عبور از شخصیت دو مسیر متفاوت برای پاسخ‌گویی به سوءرفتار اشخاص مرتبط با شرکت هستند (Tsang & Ng, 2022).

در ساختار شرکت‌های مادر و تابعه، مسئله استقلال شخصیت پیچیده‌تر می‌شود. اصل آن است که هر شرکت ثبت‌شده شخصیت مستقل دارد، حتی اگر تمام یا اکثر سهام آن متعلق به شرکت دیگری باشد. با این حال، کنترل مالی و مدیریتی شرکت مادر می‌تواند استقلال اقتصادی شرکت تابع را محدود کند. باقرنژاد نشان می‌دهد که فقدان قواعد روشن درباره شرکت‌های گروهی ممکن است در تعیین حدود مسئولیت شرکت مادر در برابر تعهدات شرکت تابع مشکل ایجاد کند (Baghernejad, 2023). همین موضوع نشان می‌دهد که شخصیت حقوقی را باید هم به‌عنوان قاعده ثبات‌بخش و هم به‌عنوان نهادی قابل کنترل در برابر سوءاستفاده تحلیل کرد.

هدف از استقلال شرکت، فراهم کردن نظم و پیش‌بینی‌پذیری است، نه ایجاد امکان پنهان ساختن واقعیت اقتصادی.

در نهایت، مفهوم شخصیت حقوقی شرکت تجاری مجموعه‌ای از آثار به‌هم‌پیوسته را در بر می‌گیرد: شرکت موضوع مستقل حق و تکلیف است، دارایی جداگانه دارد، تعهدات آن اصولاً از تعهدات اعضا جداست، می‌تواند در دادرسی شرکت کند، تغییر اعضا موجودیت آن را از بین نمی‌برد و اراده آن از طریق ارکان سازمانی شکل می‌گیرد. در مقابل، این استقلال با محدودیت‌هایی مانند قوانین آمره، موضوع شرکت، قواعد مسئولیت مدیران، منع سوءاستفاده از حق و نظریه عبور از شخصیت مواجه است. این دو وجه باید هم‌زمان دیده شوند؛ زیرا تأکید یک‌جانبه بر استقلال ممکن است به بی‌عدالتی منجر شود و بی‌اعتنایی گسترده به استقلال نیز فلسفه وجودی شرکت را تضعیف می‌کند.

مبانی فقهی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری

بررسی شخصیت حقوقی از منظر فقه امامیه پیش از هر چیز نیازمند تفکیک میان نبود اصطلاح تاریخی و نبود مبنای فقهی است. اینکه اصطلاح «شخصیت حقوقی» با معنای تکنیکی امروزین در متون کلاسیک فقهی مطرح نشده، لزوماً به این معنا نیست که فقه توان پذیرش موجودیت‌های اعتباری را ندارد. فقه در حوزه معاملات با مجموعه گسترده‌ای از مفاهیم اعتباری مانند مالکیت، دین، ضمان، وکالت، وقف، وصیت، حق و ولایت سروکار دارد. بنابراین، پرسش اصلی آن نیست که آیا فقهای متقدم اصطلاح شرکت دارای شخصیت حقوقی را به کار برده‌اند، بلکه باید بررسی شود که آیا ساختن و شناسایی چنین اعتباری با اصول عام شریعت تعارض دارد یا می‌تواند در چهارچوب عرف عقلایی و قواعد عمومی معاملات پذیرفته شود. محقق داماد در تحلیل قواعد فقهی مربوط به اموال و مسئولیت نشان می‌دهد که قواعد عام فقه ظرفیت انطباق بر روابط مالی متنوع و نوپدید را دارند (Mohaghegh Damad, 2025). از این منظر، بررسی شخصیت حقوقی باید بر مبانی و آثار آن متمرکز باشد، نه بر جست‌وجوی معادل لفظی این اصطلاح در منابع قدیم.

یکی از مهم‌ترین مبانی پذیرش شخصیت حقوقی، اعتبار عقلایی است. جامعه انسانی برای سازمان‌دهی روابط پیچیده خود ناگزیر از ایجاد مفاهیمی است که وجود فیزیکی مستقل ندارند اما آثار واقعی اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کنند. مالکیت نمونه آشکاری از چنین اعتباری است؛ رابطه مالک با مال، شیء مادی جداگانه‌ای در خارج نیست، بلکه وضعیتی اعتباری است که بر اساس آن مجموعه‌ای از اختیارات و حمایت‌ها برای مالک به رسمیت شناخته می‌شود. به همین ترتیب، می‌توان یک مجموعه سازمان‌یافته را واحدی مستقل برای تعلق حقوق و تکالیف قرار داد. هنگامی که عقلا برای تسهیل روابط تجاری، دارایی معین، مدیریت سازمانی و تعهدات مستقل را به یک شرکت نسبت می‌دهند، این اعتبار در صورت فقدان منع شرعی می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. تحلیل احمدیان از شرکت سهامی نیز نشان می‌دهد که تلاش برای فروکاستن شرکت مدرن به یکی از عقود سنتی همیشه پاسخ‌گو نیست و شناسایی قالب حقوقی جدید بر اساس اصول عمومی معاملات می‌تواند راه‌حل مناسب‌تری باشد (Ahmadian, 2022).

سیره عقلا با مفهوم اعتبار عقلایی ارتباط نزدیکی دارد. اگر رویه‌ای در میان عقلا به‌طور پایدار برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی پذیرفته شده باشد و منع شرعی معتبری نسبت به آن وجود نداشته باشد، امکان استناد به آن در تحلیل مشروعیت نهادهای نوپدید فراهم می‌شود. شخصیت حقوقی شرکت‌ها در اقتصاد جدید به‌گونه‌ای گسترده در نظام‌های مختلف پذیرفته شده و بخش بزرگی از مبادلات اقتصادی بر همین مبنا شکل می‌گیرد. این پذیرش صرفاً ناشی از یک انتخاب نظری نیست، بلکه پاسخ به ضرورت‌های عملی اداره فعالیت‌های جمعی است. شرکت بدون استقلال دارایی و امکان انعقاد قرارداد مستقل، در مقیاس بزرگ با

دشواری جدی مواجه می‌شود. از این رو، می‌توان نهاد شخصیت حقوقی را مصداقی از سازمان‌دهی عقلایی روابط اقتصادی دانست. گودرزی و علمی سولا در بازخوانی شرکت‌های فقهی بر ضرورت توجه به ماهیت و ساختار واقعی روابط مشارکتی تأکید دارند (Goudarzi & Elmi Soula, 2021). جلیلی و همکاران نیز در بررسی اعتبار فقهی و حقوقی شرکت مفاوضه نشان می‌دهند که تحلیل شرکت در مذاهب اسلامی به مبانی مختلف اعتبار و حدود آثار مشارکت وابسته است (Jalili et al., 2021). این تنوع خود نشان‌دهنده آن است که قالب شرکت در فقه مفهومی کاملاً ایستا و غیرقابل توسعه نیست.

عرف نیز می‌تواند در تبیین شخصیت حقوقی نقش مهمی ایفا کند. بسیاری از اصطلاحات، آثار قراردادها و شیوه‌های اجرای تعهدات در فقه معاملات با عرف ارتباط دارند. هنگامی که عرف تجاری شرکت را موجودیتی مستقل می‌شناسد، قراردادها را به نام آن منعقد می‌کند، دارایی را متعلق به شرکت می‌داند و طلب را از خود شرکت مطالبه می‌کند، این عرف در تفسیر ماهیت روابط حقوقی اهمیت پیدا می‌کند. البته عرف به‌تنهایی نمی‌تواند حکم مخالف نص یا قاعده آمره شرعی را مشروع کند، اما در حوزه‌ای که منع صریح وجود ندارد، می‌تواند در تشخیص موضوع و تنظیم اعتبار حقوقی مؤثر باشد. توسعه شرکت‌های سهامی، شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های گروهی نمونه‌ای از تحول عرف تجاری است که نظام حقوقی ناگزیر از پاسخ‌گویی به آن بوده است. غیث عبدالرحمن حمود در بررسی تطبیقی تشکیل شرکت در ایران و عراق نشان می‌دهد که ساختارهای قانونی شرکت در هر دو نظام متأثر از ضرورت‌های سازمان‌دهی تجارت جدید هستند (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024).

اصل صحت نیز می‌تواند در تحلیل مشروعیت تأسیس ساختارهای شرکتی جدید مورد توجه قرار گیرد. هرگاه اشخاص رابطه‌ای حقوقی ایجاد کنند که مشتمل بر عناصر ممنوع شرعی نباشد، اصل بر اعتبار و صحت آن است، مگر اینکه دلیل خاصی بر بطلان وجود داشته باشد. شرکت تجاری جدید، به‌ویژه شرکت سهامی، ممکن است دقیقاً منطبق بر قالب شرکت عنان یا دیگر اقسام کلاسیک نباشد، اما این تفاوت لزوماً به بطلان آن منجر نمی‌شود. احمدیان پذیرش شرکت سهامی به‌عنوان ساختاری نوین را در مقایسه با تحمیل آن بر قالب‌های سنتی قابل دفاع‌تر می‌داند (Ahmadian, 2022). والویون و نجف‌زاده نیز در تحلیل فقهی و حقوقی قرارداد شرکت مدنی نشان می‌دهند که حتی در حوزه شرکت مدنی نیز خلأها و نیازهایی وجود دارد که تفسیر و توسعه قواعد را ضروری می‌سازد (Valaviyoun & Najafzadeh, 2022). بنابراین، اصل صحت می‌تواند بخشی از مبنای اعتبار توافق مؤسسان برای ایجاد سازمانی مستقل باشد.

اصل وفای به عهد و الزام به رعایت تعهدات نیز در توضیح آثار شخصیت شرکت اهمیت دارد. مؤسسان و شرکا با ایجاد شرکت، مجموعه‌ای از تعهدات متقابل و سازمانی را می‌پذیرند و اشخاص ثالث نیز با اعتماد به همین ساختار با شرکت معامله می‌کنند. اگر شخصیت مستقل شرکت در میانه روابط نادیده گرفته شود، تعهدات و انتظارات مشروع طرفین دچار اختلال می‌شود. فطین آذر در تحلیل تطبیقی الزام‌آور بودن قرارداد در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه بر اهمیت اصل التزام به قرارداد و ارتباط آن با حسن نیت تأکید دارد (Fatin Azar, 2024). سهرابی و همکاران نیز در مطالعه تعدیل تعهدات قراردادی در حقوق فرانسه نشان می‌دهند که اصل الزام قراردادی در عین اهمیت می‌تواند با سازوکارهای اصلاحی و عدالت‌محور همراه باشد (Sohrabi et al., 2021). در شخصیت حقوقی نیز همین منطق قابل مشاهده است: اصل، احترام به ساختار ایجادشده و تعهدات منتسب به شرکت است، اما این احترام در برابر تقلب و اضرار مطلق نیست. قاعده سلطنت را نیز می‌توان در تحلیل برخی آثار شخصیت حقوقی به کار گرفت. اشخاص اصولاً بر اموال خود اختیار دارند

و می‌توانند در چهارچوب ضوابط شرعی آن را به شرکت وارد کنند و در مقابل، حقوق شرکتی دریافت نمایند. هنگامی که سرمایه به شرکت منتقل شد، مالکیت یا اختیار مربوط به آن باید بر اساس ساختار جدید تحلیل شود. اعتبار شخصیت شرکت امکان می‌دهد که این مجموعه دارایی به‌صورت یک کل مستقل اداره شود و مدیران در حدود اختیارات قانونی و قراردادی در آن تصرف کنند. این فرآیند با این ایده سازگار است که مالک می‌تواند در چهارچوب قواعد معتبر، نحوه بهره‌برداری و سازمان‌دهی مال خود را تعیین کند. البته استقلال دارایی شرکت به معنی آزادی نامحدود مدیران یا شرکا در تصرف نیست؛ زیرا حقوق طلبکاران و قواعد آمره نیز باید رعایت شود.

قاعده احترام نیز می‌تواند در حمایت از دارایی شرکت و دارایی اشخاص مرتبط با آن نقش داشته باشد. وقتی دارایی به‌طور معتبر به شرکت تعلق می‌گیرد، تجاوز به آن یا استفاده ناروا از آن نمی‌تواند به این بهانه توجیه شود که شرکت موجودی طبیعی نیست. غفاری در مطالعه امنیت شغلی در شرکت‌های خصوصی بر اساس قاعده احترام نشان می‌دهد که ظرفیت این قاعده محدود به مالکیت سنتی اشخاص حقیقی نیست و می‌تواند در تحلیل روابط حقوقی سازمان‌یافته به کار رود (Ghaffari, 2023). با توسعه این منطق، مال شرکت نیز به‌عنوان مال محترم شناخته می‌شود و مدیر یا شریک نمی‌تواند آن را همانند مال شخصی خود تلقی کند. این تفکیک دقیقاً با یکی از آثار محوری شخصیت حقوقی، یعنی استقلال دارایی، هماهنگ است.

قاعده لاضرر از دو جهت در بحث شخصیت حقوقی اهمیت دارد. نخست اینکه پذیرش شخصیت مستقل شرکت می‌تواند از ورود زیان‌های ناشی از آشفتگی و عدم تفکیک دارایی‌ها جلوگیری کند. طلبکار شرکت می‌داند که دارایی شرکت پشتوانه تعهدات آن است و شریک نیز حدود حقوق خود را می‌شناسد. دوم اینکه همین شخصیت مستقل در صورت سوءاستفاده ممکن است زمینه زیان به اشخاص ثالث را فراهم سازد. از این رو، قاعده لاضرر می‌تواند در تعیین مرزهای حمایت از استقلال شرکت مورد استفاده قرار گیرد. مصباح قاعده لاضرر را در اندیشه شیخ انصاری و آخوند خراسانی از منظر ظرفیت آن برای نفی آثار زیان‌بار بررسی کرده است (Mesbah, 2021). کوچکی نیز به جایگاه این قاعده در فقه امامیه پرداخته است (Kouchaki, 2025). آناهید و قربانی در بررسی تعارض احتمالی لاضرر با نیروی الزام‌آور قرارداد نشان می‌دهند که حتی اصل لزوم نیز در تحلیل فقهی نمی‌تواند بدون توجه به آثار زیان‌بار اعمال شود (Anahid & Ghorbani, 2024). بنابراین، استقلال شخصیت شرکت نیز نمی‌تواند در شرایطی که صرفاً ابزار اضرار است، ارزشی مطلق تلقی شود.

این منطق با نظریه منع سوءاستفاده از حق ارتباط پیدا می‌کند. حقوقی که قانون برای تأمین هدف مشروع ایجاد کرده، نباید عمداً برای زیان رساندن یا فرار از قانون به کار گرفته شود. شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود برای تسهیل سرمایه‌گذاری و سازمان‌دهی فعالیت اقتصادی ایجاد شده‌اند، نه برای فرار از دین. جرفی و همکاران در مطالعه مسئولیت مدنی ناشی از سوءاستفاده از حق در ایران و فرانسه نشان داده‌اند که اعمال ظاهراً مجاز یک حق ممکن است در صورت خروج از هدف مشروع، منشأ مسئولیت شود (Jarfi et al., 2024). این ایده می‌تواند پشتوانه مهمی برای پذیرش استثناهای استقلال شخصیت حقوقی باشد. اگر سهامدار یا مدیر شرکت را صرفاً وسیله‌ای برای تقلب قرار دهد، احترام مطلق به جدایی شرکت و شخص ممکن است با فلسفه قواعد فقهی مسئولیت ناسازگار شود.

بحث ضمان و مسئولیت نیز با شخصیت حقوقی ارتباط پیدا می‌کند. اینکه تعهد در مرحله نخست به شرکت منتسب شود، به این معنا نیست که هیچ شخص دیگری هرگز مسئول نخواهد بود. اگر مدیر شخصاً مرتکب تقصیر شود یا شریک رفتار مستقلی موجب ورود ضرر انجام دهد، قواعد عمومی ضمان می‌تواند

مسئولیت او را ایجاد کند. نجفی و همکاران در تحلیل قواعد «ما یضمن» و «ما لا یضمن» به پیچیدگی مبانی ضمان و آثار عملی آن در حقوق معاصر پرداخته‌اند (Najafi et al., 2025). محقق داماد نیز قواعد مسئولیت و ضمان را در ارتباط با اموال و روابط خصوصی تحلیل می‌کند (Mohaghegh Damad, 2025). این قواعد کمک می‌کنند که میان مسئولیت شرکت به‌عنوان شخص مستقل و مسئولیت مستقیم عامل زیان تفکیک صورت گیرد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فقهی، مسئولیت محدود شرکا است که هرچند از شخصیت حقوقی متمایز است، به‌طور مستقیم با آن ارتباط دارد. اگر شرکت شخص مستقل باشد، طبیعی است که اصل بر انتساب دیون شرکت به خود آن باشد؛ اما این سؤال باقی می‌ماند که آیا محدود کردن رجوع طلبکار به دارایی شرکت و جلوگیری از مراجعه به شریک با قواعد ضمان سازگار است. سباستیانی در تحلیل عدالت و مسئولیت محدود نشان می‌دهد که این مسئله نه صرفاً فنی، بلکه دارای ابعاد عدالت توزیعی و حمایت از طلبکاران است (Sebastiani, 2021). غلامعلی‌زاده و همکاران نیز در بررسی شروط تضمین در مضاربه و شرکت مدنی نشان داده‌اند که توزیع خطر و مسئولیت در روابط مشارکتی از منظر فقهی نیازمند تحلیل دقیق ماهیت تعهدات است (Gholamalizadeh et al., 2024). پذیرش شخصیت مستقل می‌تواند بخشی از مبنای تفکیک مسئولیت باشد، اما مشروعیت مسئولیت محدود باید به‌صورت مستقل نیز توجیه شود.

نهادهای فقهی دیگری نیز نشان می‌دهند که فقه با انتساب اموال و آثار حقوقی به ساختارهایی فراتر از شخص حقیقی کاملاً بیگانه نیست. اگرچه هیچ‌یک از این نهادها دقیقاً معادل شرکت دارای شخصیت حقوقی مدرن نیستند، وجود اموال اختصاص‌یافته به جهات عمومی یا ساختارهایی که اداره آن‌ها از مالکیت شخصی مباشر جداست نشان می‌دهد که حقوق مالی در فقه الزاماً به مالکیت مستقیم یک فرد معین محدود نمی‌شود. بر همین اساس، می‌توان شخصیت حقوقی را به‌عنوان یک اعتبار مستقل عقلایی تحلیل کرد، بدون آنکه نیاز باشد آن را عیناً بر یکی از عقود سنتی منطبق ساخت. این روش تحلیلی از تحمیل تفاوت‌های شرکت جدید بر نهادهای سنتی جلوگیری می‌کند.

در کنار این مبانی، مصلحت اجتماعی و اقتصادی نیز در مقام تحلیل عقلایی شخصیت حقوقی قابل توجه است. شناسایی شرکت مستقل، امکان تجمیع سرمایه، استمرار بنگاه، کاهش هزینه تنظیم روابط با هزاران شریک و ایجاد مرکز مشخص برای انتساب حقوق و تعهدات را فراهم می‌کند. این منافع به‌تنهایی دلیل شرعی مستقل برای مشروعیت هر ساختاری نیستند، اما در کنار فقدان منع و وجود قواعد عمومی تأییدکننده می‌توانند نشان دهند که اعتبار شخصیت حقوقی پاسخ به نیاز واقعی جامعه است. حسینی در تحلیل اقتصادی حقوق حاکمیت شرکتی به نقش قواعد سازمانی شرکت در کاهش تعارض‌ها و افزایش کارآمدی اشاره می‌کند (Hosseini, 2021). هرچند موضوع شخصیت حقوقی با حاکمیت شرکتی یکسان نیست، هر دو در این نکته مشترک‌اند که حقوق شرکت‌ها برای سازمان‌دهی روابط پیچیده اقتصادی به ساختارهای نهادی نیاز دارد.

در نتیجه، مبنای فقهی شخصیت حقوقی را نباید در یک قاعده منفرد جست‌وجو کرد. این نهاد را می‌توان محصول هم‌افزایی اعتبار عقلایی، عرف، سیره عقلا، اصل صحت، وفای به تعهدات، احترام به اموال، قواعد مسئولیت، منع اضرار و منع سوءاستفاده از حق دانست. این مجموعه، هم امکان پذیرش اصل استقلال شرکت را فراهم می‌کند و هم محدودیت‌های آن را توضیح می‌دهد. بر همین مبنا، شخصیت حقوقی تا جایی مورد حمایت است که در مسیر هدف مشروع خود یعنی سازمان‌دهی فعالیت اقتصادی به کار رود؛ هرگاه این قالب به ابزاری برای تقلب یا اضرار تبدیل شود، همان مبانی فقهی که استقلال آن را توجیه می‌کنند، می‌توانند مبنای محدود کردن آثار آن نیز قرار گیرند.

مبانی و جایگاه حقوقی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری در حقوق ایران

حقوق ایران شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را به‌عنوان یکی از پایه‌های ساختار حقوق تجارت پذیرفته است، هرچند قانون تجارت تعریف جامع و مستقلی از ماهیت شخصیت حقوقی ارائه نکرده باشد. شیوه تنظیم مقررات شرکت‌ها نشان می‌دهد که قانون‌گذار شرکت را صرفاً قرارداد میان شرکا نمی‌داند، بلکه برای آن آثار و قابلیت‌هایی مستقل قائل است. شرکت می‌تواند صاحب دارایی شود، قرارداد منعقد کند، تعهد ایجاد کند، دارای اقامتگاه و تابعیت باشد، علیه دیگران طرح دعوا کند و طرف دعوا قرار گیرد. چنین آثاری بدون پذیرش یک مرکز مستقل انتساب حقوق و تکالیف قابل توضیح نیست. پاسبان در حقوق شرکت‌های تجاری، شخصیت حقوقی را از عناصر بنیادی ساختار شرکت در حقوق ایران می‌داند (Pasban, 2021). داراب‌پور و همکاران نیز در تبیین مبانی حقوق تجارت، استقلال بنگاه و ساختار سازمانی شرکت را در تحلیل روابط تجاری مورد توجه قرار داده‌اند (Darabpour et al., 2023).

در حقوق ایران، شناسایی شخصیت شرکت با قواعد مربوط به تشکیل و ثبت آن ارتباط دارد، اما زمان دقیق پیدایش شخصیت در همه اقسام شرکت‌ها لزوماً با یک فرمول واحد قابل توضیح نیست. برخی آثار ممکن است با تحقق ارکان ماهوی تشکیل شرکت ایجاد شوند و برخی دیگر منوط به انجام تشریفات قانونی یا ثبت باشند. اهمیت این موضوع در تعیین مسئولیت مؤسسان، مالکیت اموال آورده‌شده و اعتبار قراردادهایی است که پیش از ثبت نهایی منعقد می‌شوند. غیث عبدالرحمن حمود در مطالعه تطبیقی حقوق تشکیل شرکت در عراق و ایران نشان می‌دهد که تشریفات تشکیل و ثبت نقشی اساسی در نظم‌بخشی به وضعیت حقوقی شرکت دارند (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024). ماهرخ نیز در مطالعه حقوق تشکیل شرکت در انگلستان به اهمیت مرحله تأسیس برای آغاز آثار استقلال شرکت اشاره می‌کند (Mahrokh, 2025). بنابراین، بحث شخصیت حقوقی با فرایند ایجاد شرکت پیوندی مستقیم دارد.

استقلال دارایی مهم‌ترین جلوه عینی شخصیت حقوقی در حقوق ایران است. دارایی شرکت مجموعه مستقلی از حقوق و دیون است و اصولاً نباید با دارایی شرکا مخلوط شود. شریک صاحب سهم یا سهم‌الشرکه است، نه مالک مستقیم نسبت معینی از هر مال شرکت. این تفکیک در روابط با طلبکاران اهمیت اساسی دارد. طلبکار شخصی شریک نمی‌تواند صرفاً به دلیل بدهی شریک، مال متعلق به شرکت را همانند مال شخصی او توقیف کند و در مقابل، طلبکار شرکت نیز اصولاً باید به دارایی خود شرکت رجوع کند، مگر آنکه قانون در نوع خاص شرکت مسئولیت دیگری برای شرکا مقرر کرده باشد. میرزاخانی نفچی و همکاران پیوند میان تشکیل شرکت، دارایی و مسئولیت شرکا را در تحلیل حقوقی و اقتصادی شرکت برجسته کرده‌اند (Mirzakhani Nafchi et al., 2025). مغیمی نیز در بررسی ویژگی‌های شرکت تجاری، تفکیک مسئولیت‌ها و جایگاه مستقل شرکت را از اوصاف مؤثر بر روابط اعضا و اشخاص ثالث می‌داند (Moghimi, 2021).

استقلال دارایی علاوه بر حمایت از شرکا، برای حمایت از طلبکاران شرکت نیز اهمیت دارد. گاهی مسئولیت محدود صرفاً امتیازی برای سهامداران تصور می‌شود، در حالی که تفکیک دارایی شرکت باعث می‌شود دارایی سازمان در درجه نخست برای ایفای تعهدات خود آن شرکت حفظ شود. اگر شریک می‌توانست هر زمان اراده کند اموال شرکت را همانند مال شخصی خود برداشت کند یا طلبکار شخصی او مستقیماً به آن دسترسی داشته باشد، امنیت اعتباری شرکت به‌شدت کاهش می‌یافت. از این منظر، شخصیت حقوقی نوعی جداسازی دوطرفه دارایی ایجاد می‌کند: هم طلبکار شرکت از دارایی شخصی شریک فاصله دارد و هم

طلبکار شخصی شریک از دارایی شرکت. این ساختار یکی از دلایل اصلی کارآمدی شرکت مدرن است.

اهلیت شرکت در حقوق ایران نیز نتیجه پذیرش شخصیت مستقل است. شخص حقوقی می‌تواند در حدود موضوع و ماهیت خود دارای حقوق و تکالیف شود. محدودیت ناشی از طبیعت شخص حقوقی روشن است؛ شرکت نمی‌تواند حقوقی داشته باشد که ذاتاً ویژه انسان است، اما در حوزه مالی و تجاری دامنه وسیعی از اعمال حقوقی برای آن قابل تصور است. این اهلیت از طریق ارکان و نمایندگان اعمال می‌شود. مدیران در حدود صلاحیت خود برای شرکت اقدام می‌کنند و آثار عمل آنان، در صورت رعایت شرایط قانونی، به شخص شرکت نسبت داده می‌شود. عابدینی و تراشیون نشان می‌دهند که ساختار هیئت‌مدیره در نظام‌های حقوقی مختلف، نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه اعمال اراده شرکت و نظارت بر آن دارد (Abedini & Tarashion, 2024). پاسبان و فراهانی نیز جایگاه مدیران مستقل را در کنترل تصمیمات شرکتی و تقویت سازوکارهای حاکمیتی بررسی کرده‌اند (Pasban & Farahani, 2022).

در کنار اهلیت، مسئولیت مستقل شرکت نیز یکی از آثار مهم شخصیت حقوقی است. اگر شرکت قراردادی را نقض کند یا از فعالیت آن خسارتی ایجاد شود، اصل بر آن است که مسئولیت به خود شخص حقوقی منتسب شود، مشروط بر اینکه رفتار مربوط در چهارچوب فعالیت شرکت و توسط ارکان یا عوامل مرتبط با آن صورت گرفته باشد. البته این قاعده مانع مسئولیت هم‌زمان مدیر یا عامل زیان در موارد تقصیر شخصی نیست. باران‌زهی و همکاران در بررسی مدیران سایه، این مسئله را مطرح می‌کنند که مسئولیت نباید صرفاً به عناوین رسمی محدود شود و کنترل واقعی و نقش شخص در تصمیم‌گیری نیز می‌تواند اهمیت داشته باشد (Baranzehi et al., 2024). این رویکرد برای جلوگیری از تبدیل شخصیت حقوقی به پوشش مصونیت اشخاص مؤثر ضروری است.

جایگاه دکترین در توسعه مفهوم شخصیت حقوقی در ایران بسیار مهم بوده است. قانون تجارت بسیاری از مسائل نظری این نهاد را با جزئیات توضیح نداده و بخش قابل توجهی از تحلیل مربوط به ماهیت، آغاز شخصیت، آثار استقلال، حدود اهلیت و استثناهای آن توسط حقوقدانان توسعه یافته است. پاسبان تحلیل نظام‌مندی از شرکت به‌عنوان سازمان حقوقی مستقل ارائه می‌کند (Pasban, 2021). مجاهد نیز با رویکرد تطبیقی، شخصیت شرکت را در حقوق ایران و انگلستان بررسی کرده و نقاط اشتراک و تفاوت در آثار استقلال شرکت را مورد توجه قرار داده است (Mojahed, 2022). این مطالعات نشان می‌دهند که شخصیت حقوقی در حقوق ایران تنها یک حکم قانونی پراکنده نیست، بلکه به نظریه‌ای مرکزی در حقوق شرکت‌ها تبدیل شده است.

با این همه، حقوق ایران در زمینه حدود استقلال شخصیت حقوقی با ابهام‌هایی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین مسائل، فقدان معیارهای تفصیلی و منسجم برای عبور از شخصیت حقوقی در موارد سوءاستفاده است. در نظام‌هایی مانند حقوق انگلستان و آمریکا، ادبیات گسترده‌ای درباره piercing the corporate veil شکل گرفته است، هرچند آن نظام‌ها نیز معیار کاملاً ساده و یکنواختی ندارند. ماراش و گولیچ نشان می‌دهند که عبور از شخصیت حقوقی معمولاً به‌عنوان استثنایی محدود و وابسته به شرایط خاص اعمال می‌شود (Maraš & Golić, 2021). سباستیانی نیز تأکید می‌کند که توجیه این استثنا باید با معیارهای عدالت و جلوگیری از بهره‌برداری ناروا از مسئولیت محدود مرتبط باشد (Sebastiani, 2021). در حقوق ایران، ظرفیت‌هایی مانند منع سوءاستفاده از حق، قواعد مسئولیت مدنی، تقلب نسبت به قانون و برخی قواعد فقهی وجود دارد، اما نظام‌مند کردن آن‌ها در

قالب معیار روشن برای عبور از شخصیت همچنان نیازمند توسعه است.

جرفی و همکاران در بررسی مسئولیت ناشی از سوءاستفاده از حق در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهند که اعمال یک اختیار قانونی می‌تواند در صورت استفاده نابجا و زیان‌بار منشأ مسئولیت باشد (Jarfi et al., 2024). این مبنا در حقوق شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. برای مثال، اگر شرکتی بدون سرمایه واقعی و صرفاً برای انتقال بدهی از شخص کنترل‌کننده ایجاد شود، یا دارایی میان شخص و شرکت به‌طور ساختگی جابه‌جا شود تا طلبکاران از وصول مطالبات محروم شوند، تمسک صرف به شخصیت مستقل ممکن است با منع سوءاستفاده از حق ناسازگار باشد. در چنین شرایطی، حقوق باید میان دو ارزش تعادل برقرار کند: از یک سو امنیت ناشی از استقلال شخصیت و از سوی دیگر جلوگیری از تقلب.

شرکت‌های تک‌عضوی نمونه‌ای روشن از اهمیت این تعادل هستند. در چنین شرکتی، شخص واحد ممکن است تمام سرمایه و قدرت تصمیم‌گیری را در اختیار داشته باشد، اما شرکت از نظر حقوقی همچنان موجودیتی مستقل از اوست. موسوی مبارکه در بررسی ماهیت فقهی و حقوقی شرکت‌های تک‌عضوی در ایران و انگلستان به همین مسئله پرداخته است (Mousavi Mobarakeh, 2023). وجود یک عضو نباید به‌خودی‌خود موجب انکار شخصیت مستقل شود، زیرا فلسفه شرکت تک‌عضوی دقیقاً بر تفکیک سازمان اقتصادی از دارایی شخص بنا شده است. اما هرچه تمرکز کنترل بیشتر باشد، ضرورت نظارت بر اختلاط دارایی و استفاده ابزاری از شرکت نیز افزایش می‌یابد.

مسئله مشابهی در شرکت‌های مادر و تابعه وجود دارد. باقرنژاد در تحلیل شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های تابعه نشان می‌دهد که حقوق ایران در زمینه تنظیم روابط گروه شرکت‌ها با خلأهایی مواجه است (Baghernejad, 2023). اصل استقلال اقتضا می‌کند که هر شرکت تابع مسئول تعهدات خود باشد، اما در شرایطی که شرکت مادر کنترل کامل دارد، دارایی‌ها را جابه‌جا می‌کند یا از شرکت تابع برای دور زدن مسئولیت استفاده می‌کند، پایبندی مطلق به استقلال می‌تواند حقوق طلبکاران را تهدید کند. پارگندلر با طرح مفهوم «veil peeking» نشان می‌دهد که حتی بدون کنار گذاشتن کامل شخصیت حقوقی، قانون می‌تواند در برخی حوزه‌ها به ساختار مالکیت و کنترل پشت شرکت توجه کند (Pargendler, 2021). این رویکرد می‌تواند برای حقوق ایران نیز الهام‌بخش باشد، زیرا بین دو گزینه افراطی «استقلال مطلق» و «نادیده گرفتن کامل شخصیت» راه‌حل‌های میانی وجود دارد.

شخصیت حقوقی همچنین با ادغام شرکت‌ها و آثار آن بر حقوق سهامداران و طلبکاران مرتبط است. ادغام ممکن است موجب انتقال دارایی‌ها و تعهدات از یک شخصیت به شخصیت دیگر یا ایجاد ساختار جدید شود و از این طریق مرزهای شخصیت‌های پیشین را تغییر دهد. اسامه نجم در مطالعه آثار حقوقی ادغام شرکت‌ها بر حقوق سهامداران و طلبکاران، اهمیت حفاظت از حقوق ذی‌نفعان در جریان تغییر ساختار شخصیت شرکت را برجسته کرده است (Osama Najm, 2023). این مسئله نشان می‌دهد که شخصیت حقوقی مفهومی ایستا نیست؛ شرکت می‌تواند ایجاد، ادغام، تبدیل، منحل و تصفیه شود و در هر مرحله باید سرنوشت حقوق و تعهدات آن روشن باشد.

انحلال نیز به معنای نابودی فوری همه آثار شخصیت نیست. برای انجام تصفیه، وصول مطالبات، پرداخت دیون و تقسیم مانده دارایی، بقای محدود شخصیت شرکت ضرورت دارد. اگر با صدور تصمیم انحلال شخصیت فوراً از میان برود، مشخص نیست چه شخصی باید طرف دعاوی قرار گیرد یا دیون را پرداخت کند. بنابراین، منطق حقوقی ایجاب می‌کند که شخصیت برای اهداف تصفیه تا پایان فرایند ادامه یابد. این استمرار بار دیگر نشان می‌دهد که شخصیت حقوقی نه یک وصف صرفاً اسمی، بلکه سازوکاری

برای انتساب منظم حقوق و تعهدات در طول چرخه حیات شرکت است.

در حقوق ایران، تحلیل شخصیت حقوقی باید با توجه به اصل آزادی فعالیت اقتصادی مشروع و ضرورت حفظ حقوق اشخاص ثالث انجام شود. اگر قواعد شرکت بیش از حد نامطمئن باشند، سرمایه‌گذار نمی‌تواند حدود ریسک خود را ارزیابی کند؛ در مقابل، اگر حمایت از استقلال شرکت بدون هرگونه کنترل باشد، طلبکار و زیان‌دیده در معرض رفتار فرصت‌طلبانه قرار می‌گیرند. شرفمن و مور در زمینه بازار کنترل شرکتی به اهمیت ساختارهای حقوقی در تنظیم قدرت و کنترل شرکت اشاره می‌کنند (Sharfman & Moore, 2021). راتربرگ نیز جدایی رأی و کنترل و نقش قرارداد را در حاکمیت شرکت بررسی می‌کند (Rauterberg, 2021). این مطالعات نشان می‌دهند که در شرکت مدرن، مالکیت، کنترل و مسئولیت همواره در یک شخص متمرکز نیستند و حقوق باید میان این سطوح تمایز قائل شود.

از منظر حقوق ایران، همین تفکیک برای تحلیل دقیق شخصیت ضروری است. سهامدار مالک سهم است، مدیر اختیار اداره دارد و شرکت مالک دارایی و طرف قرارداد است. آمیختن این سه سطح می‌تواند موجب خطا در تعیین مسئولیت شود. صرف مالکیت اکثریت سهام نباید به‌طور خودکار همه تعهدات شرکت را بر عهده سهامدار قرار دهد، همان‌طور که عنوان مدیر نیز نباید او را در برابر هر بدهی شرکت شخصاً مسئول سازد. در مقابل، اگر سهامدار یا مدیر شخصاً مرتکب تقلب، اتلاف، تسبیب یا سوءاستفاده از حق شود، استقلال شرکت نباید مانع اعمال مسئولیت مستقیم او گردد. تسنگ و انگ دقیقاً بر تمایز مسئولیت مستقیم از عبور از حجاب شرکت تأکید دارند (Tsang & Ng, 2022). این تمایز می‌تواند از توسعه بی‌ضابطه نظریه عبور در حقوق ایران جلوگیری کند.

همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکت و گسترش مفهوم ذی‌نفعان نشان داده است که شخصیت حقوقی تنها ابزاری برای منافع سهامداران نیست. فلاح هاشجین در بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حقوق ایران با توجه به اسناد بین‌المللی، دامنه تعهدات و انتظارات نسبت به شرکت را فراتر از رابطه صرف با سهامداران مورد توجه قرار داده است (Fallah Hashjin, 2024). هرچند مسئولیت اجتماعی الزاماً همیشه به معنای مسئولیت حقوقی الزام‌آور نیست، این تحول نشان می‌دهد که شرکت در جامعه به‌عنوان کنشگری مستقل شناخته می‌شود و رفتار آن می‌تواند نسبت به گروه‌های مختلف اثرگذار باشد. چنین برداشتی با تصور شرکت به‌عنوان شخص حقوقی مستقل سازگارتر از نظریه‌ای است که آن را صرفاً جمع شرکا می‌داند.

از منظر تطبیقی نیز می‌توان نتیجه گرفت که استقلال شخصیت حقوقی در نظام‌های مختلف اصل مشترک است، اما استثناها و سازوکارهای کنترل آن متفاوت‌اند. وایدمایر در تحلیل مسئولیت محدود شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد که حتی در محیط‌هایی که دولت مالک شرکت است، جدایی شخصیت حقوقی می‌تواند مسائل پیچیده‌ای درباره انتساب مسئولیت ایجاد کند (Weidemaier, 2021). پارگندلر نشان می‌دهد که شرکت در حوزه‌های مختلف حقوقی ممکن است به درجات متفاوتی از شفافیت نسبت به اشخاص پشت خود نیاز داشته باشد (Pargendler, 2021). این تجربه تطبیقی برای حقوق ایران از آن جهت مهم است که اصلاح نظام شخصیت حقوقی نباید با کنار گذاشتن اصل استقلال همراه باشد، بلکه باید معیارهای دقیق برای موارد استثنایی ایجاد کند.

در مجموع، حقوق ایران مبنای کافی برای شناسایی شخصیت مستقل شرکت‌های تجاری دارد و آثار اصلی این شخصیت در نظام حقوقی قابل مشاهده است. چالش اصلی در اصل پذیرش نیست، بلکه در تبیین منسجم آثار و حدود آن است. رابطه میان زمان تشکیل و آغاز شخصیت، استقلال دارایی، دامنه اهلیت، انتساب اعمال مدیران، وضعیت گروه شرکت‌ها، شرکت‌های تک‌عضوی،

آثار ادغام و انحلال و شرایط عبور از شخصیت باید به‌صورت هماهنگ تنظیم شود. هرچه این چارچوب روشن‌تر باشد، تعادل میان ثبات روابط تجاری، حمایت از سرمایه‌گذاری، حفظ حقوق طلبکاران و جلوگیری از سوءاستفاده بهتر برقرار خواهد شد.

نتیجه‌گیری

شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری یکی از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق تجارت معاصر است و بدون پذیرش آن، توضیح منسجم ساختار شرکت، استقلال دارایی، استمرار فعالیت، اهلیت معاملاتی، امکان اقامه دعوا، انتساب تعهدات و تفکیک مسئولیت شرکت از اعضای آن با دشواری جدی روبه‌رو می‌شود. شرکت تجاری در ساختار جدید خود صرفاً مجموعه‌ای از اشخاص یا قراردادی میان شرکا نیست، بلکه سازمانی است که نظام حقوقی آن را به‌عنوان مرکز مستقل انتساب حقوق و تکالیف شناسایی می‌کند. این تحول، نتیجه گسترش فعالیت‌های اقتصادی و ضرورت ایجاد ساختارهایی پایدار برای سازمان‌دهی سرمایه، مدیریت، قراردادها و مسئولیت‌ها است. استقلال شرکت از شرکا امکان می‌دهد که تغییر در ترکیب اعضا، انتقال سهام، فوت یا خروج برخی اشخاص، اصل موجودیت سازمانی بنگاه را مختل نکند و روابط شرکت با اشخاص ثالث از ثبات بیشتری برخوردار شود.

بررسی مبانی فقهی نشان داد که نبود اصطلاح فنی «شخصیت حقوقی» در منابع کلاسیک فقه امامیه به‌تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر ناسازگاری این نهاد با فقه باشد. مسئله اساسی، بررسی ماهیت و آثار این اعتبار است. فقه امامیه با مفاهیم اعتباری متعددی در حوزه اموال، تعهدات و روابط مالی سروکار دارد و ظرفیت قواعد عمومی آن اجازه می‌دهد که نهادهای نوپدید بر اساس ماهیت واقعی و آثارشان ارزیابی شوند. شخصیت حقوقی را می‌توان اعتباری عقلایی دانست که برای پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی روابط اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده است. در صورتی که این اعتبار با حکم ممنوع شرعی تعارض نداشته باشد و آثار آن نیز در چهارچوب اصول عمومی معاملات قرار گیرد، اصل پذیرش آن با مبانی فقهی قابل جمع است.

عرف و سیره عقلا نقش ویژه‌ای در این تحلیل دارند. شرکت‌های تجاری در روابط معاصر به‌گونه‌ای گسترده به‌عنوان موجودیت‌های مستقل مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و اشخاص با اعتماد به همین استقلال با آن‌ها معامله می‌کنند. دارایی به نام شرکت ثبت می‌شود، قرارداد به حساب شرکت منعقد می‌گردد، شرکت بدهکار و طلبکار می‌شود و دعاوی به نام آن مطرح می‌شوند. این نظم عقلایی نه یک امر صوری، بلکه سازوکاری ضروری برای اداره فعالیت اقتصادی سازمان‌یافته است. پذیرش چنین ساختاری در صورتی که با مبانی آمره شرعی تعارض نداشته باشد، می‌تواند در چهارچوب اعتبارهای عقلایی توجیه شود.

اصل صحت، وفای به تعهدات، احترام به اموال و اختیار اشخاص در سازمان‌دهی مشروع دارایی‌های خود نیز از دیگر مبانی تأییدکننده شخصیت شرکت هستند. مؤسسان با تشکیل شرکت، دارایی‌هایی را در یک ساختار جدید وارد می‌کنند و روابط خود را بر اساس اساسنامه و قوانین شرکت سامان می‌دهند. اشخاص ثالث نیز با اعتماد به همین چارچوب وارد رابطه می‌شوند. احترام به این ساختار به ثبات معاملات و امکان پیش‌بینی نتایج حقوقی کمک می‌کند. در نتیجه، اصل باید بر اعتبار و احترام به شخصیت مستقل شرکت قرار گیرد و نمی‌توان صرف وجود اشخاص حقیقی در پشت شرکت را دلیل نادیده گرفتن استقلال آن دانست.

با وجود این، مبانی فقهی که پذیرش شخصیت حقوقی را امکان‌پذیر می‌کنند، به همان اندازه می‌توانند حدود آن را نیز مشخص سازند. استقلال شخصیت نمی‌تواند مجوز اضرار، تقلب، فرار از دین یا سوءاستفاده از حق باشد. قاعده لاضرر، قواعد مسئولیت و منع سوءاستفاده از حقوق می‌توانند در شرایط استثنایی مانع تمسک ناروا به شخصیت مستقل شوند. از این رو، شخصیت حقوقی باید نهادی هدفمند تلقی شود: هدف آن سازمان‌دهی

مشروع فعالیت اقتصادی و تفکیک منظم حقوق و مسئولیت‌ها است، نه ایجاد پوششی برای فرار اشخاص از پیامدهای رفتار نامشروع خود.

از حیث حقوقی، نظام ایران اصل شخصیت مستقل شرکت‌های تجاری را پذیرفته است و بسیاری از مقررات موجود بدون این فرض قابل تفسیر نیستند. استقلال مالکیت، امکان انعقاد قرارداد، اقامتگاه، تابعیت، طرح دعوا و مسئولیت مستقل شرکت همگی جلوه‌هایی از همین شناسایی هستند. با این حال، پراکندگی برخی مقررات و فقدان یک نظریه تقنینی صریح و جامع درباره شخصیت حقوقی موجب شده است که در برخی مسائل، تفسیرهای متفاوتی شکل گیرد. به‌ویژه زمان دقیق آغاز شخصیت در برخی شرکت‌ها، حدود اهلیت، آثار شخصیت در مرحله انحلال و تصفیه، وضعیت شرکت‌های تک‌عضوی و گروه شرکت‌ها و معیارهای عبور از شخصیت حقوقی نیازمند وضوح بیشتری است.

تفکیک دارایی شرکت از دارایی اعضا باید به‌عنوان یکی از اصول اساسی شخصیت حقوقی مورد حفاظت قرار گیرد. این تفکیک نه تنها به نفع سهامداران، بلکه در جهت حمایت از طلبکاران شرکت است. دارایی شرکت باید وثیقه عمومی تعهدات آن باقی بماند و شرکا نتوانند با آمیختن دارایی‌ها یا برداشت‌های ناروا، حقوق اشخاص ثالث را تضعیف کنند. در مقابل، طلبکاران شخصی شریک نیز نباید بتوانند دارایی متعلق به شرکت را بدون وجود مبنای قانونی هدف قرار دهند. این جداسازی متقابل بخش مهمی از ثبات ساختار شرکت را تشکیل می‌دهد.

در همین حال، استقلال دارایی نباید با مصونیت مطلق سهامدار یا مدیر اشتباه شود. هرگاه شخصی مستقل از شرکت مرتکب تقصیر، اتلاف، تسبیب، تقلب یا رفتار زیان‌بار شود، مسئولیت مستقیم او باید بر اساس قواعد عمومی قابل بررسی باشد. این موضوع با عبور از شخصیت حقوقی تفاوت دارد. در مسئولیت مستقیم، شخص به سبب رفتار خود مسئول است، در حالی که در عبور از شخصیت، استقلال شرکت در مورد خاص کنار گذاشته می‌شود تا شخص پشت آن مسئول تعهداتی شود که در ظاهر متعلق به شرکت بوده‌اند. تفکیک دقیق این دو سازوکار می‌تواند مانع توسعه بی‌رویه استثناهای شخصیت حقوقی شود.

نظریه عبور از شخصیت حقوقی باید در حقوق ایران به‌عنوان راهکاری استثنایی و ضابطه‌مند توسعه یابد. اصل استقلال شرکت برای امنیت تجاری ضروری است و اگر دادگاه‌ها بتوانند بدون معیار روشن در هر موردی مسئولیت را از شرکت به سهامدار منتقل کنند، قابلیت پیش‌بینی روابط اقتصادی کاهش می‌یابد. در مقابل، فقدان کامل امکان عبور نیز می‌تواند شرکت را به ابزاری برای سوءاستفاده تبدیل کند. راه‌حل مناسب، تدوین معیارهایی روشن مانند تقلب، اختلاط عمدی دارایی‌ها، استفاده صوری از شرکت، تأسیس شرکت برای فرار از تعهد موجود، کنترل همراه با سوءاستفاده و وارد ساختن زیان ناروا به اشخاص ثالث است. وجود چنین ضوابطی می‌تواند میان ثبات شخصیت و عدالت تعادل برقرار کند.

شرکت‌های مادر و تابع از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که نیاز به بازنگری دارند. اصل استقلال هر شرکت باید حفظ شود، اما واقعیت کنترل اقتصادی نیز نباید نادیده گرفته شود. مالکیت اکثریت سهام یا رابطه مادر و تابع به‌تنهایی نباید برای مسئول شناختن شرکت مادر کافی باشد، زیرا چنین قاعده‌ای فلسفه شخصیت مستقل را از میان می‌برد. در مقابل، هرگاه شرکت مادر از کنترل خود برای تخلیه دارایی شرکت تابع، تحمیل معاملات زیان‌بار، مخدوش کردن استقلال مدیریتی یا فرار از تعهدات استفاده کند، باید امکان اعمال قواعد مسئولیت فراهم باشد. تنظیم دقیق این حوزه در حقوق ایران می‌تواند به توسعه سالم گروه شرکت‌ها کمک کند.

شرکت‌های تک‌عضوی نیز ضرورت بازاندیشی در تصور سنتی شرکت را نشان می‌دهند. وجود شخصیت حقوقی نباید به وجود

تعدد واقعی اعضا وابسته تلقی شود. آنچه استقلال شرکت را توجیه می‌کند، وجود سازمان حقوقی، دارایی مستقل، ثبت قانونی و تفکیک روابط شرکت از شخص عضو است. با این حال، در شرکت تک‌عضوی احتمال اختلاط دارایی و کنترل کامل بیشتر است و به همین دلیل رعایت تشریفات مالی، حسابداری و سازمانی باید با دقت بیشتری مورد نظارت قرار گیرد.

بررسی هم‌زمان مبانی فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که میان پذیرش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری و اصول بنیادین فقه امامیه تعارض ذاتی وجود ندارد. تعارض زمانی شکل می‌گیرد که یکی از آثار عملی شرکت با قاعده‌ای مشخص ناسازگار باشد یا شخصیت شرکت برای تحقق نتیجه‌ای نامشروع مورد استفاده قرار گیرد. در چنین مواردی، به‌جای نفی کلی شخصیت حقوقی باید همان اثر یا رفتار خاص مورد تحلیل قرار گیرد. این روش امکان می‌دهد که حقوق شرکت‌ها هم از ظرفیت ساختارهای جدید اقتصادی بهره ببرد و هم اصول عدالت، منع اضرار و مسئولیت را حفظ کند.

شخصیت حقوقی در نهایت باید به‌عنوان ابزار حقوقی ایجاد تعادل میان چند ضرورت دیده شود: ضرورت ثبات سازمانی، آزادی فعالیت اقتصادی، حمایت از سرمایه‌گذاری، حفاظت از دارایی شرکت، حمایت از طلبکاران، پاسخ‌گویی مدیران و جلوگیری از سوءاستفاده. هیچ‌یک از این اهداف به‌تنهایی نمی‌تواند معیار نهایی باشد. استقلال بیش از حد ممکن است زمینه بی‌عدالتی را ایجاد کند و مداخله بیش از حد نیز می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاری و قابلیت پیش‌بینی را تضعیف سازد. نظام مطلوب آن است که اصل استقلال شخصیت را به‌طور قاطع شناسایی کند، اما برای موارد استثنایی نیز ضوابطی روشن، محدود و قابل پیش‌بینی فراهم آورد.

بر این اساس، اصلاح حقوق شرکت‌ها در ایران بهتر است به‌جای کنار گذاشتن ساختار موجود، بر تکمیل نظریه شخصیت حقوقی متمرکز شود. تبیین صریح‌تر زمان آغاز و پایان شخصیت، تنظیم آثار انحلال و تصفیه، روشن ساختن وضعیت گروه شرکت‌ها، شناسایی دقیق مسئولیت اشخاص کنترل‌کننده، تفکیک مسئولیت مستقیم از عبور از شخصیت، جلوگیری از اختلاط دارایی و پیش‌بینی معیارهای روشن برای مقابله با سوءاستفاده می‌تواند انسجام نظام حقوق شرکت‌ها را افزایش دهد. چنین اصلاحاتی در عین حفظ بنیان‌های فقهی حقوق ایران، امکان پاسخ‌گویی بهتر به واقعیت‌های اقتصاد جدید را فراهم می‌کند.

در نهایت، شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را می‌توان نهادی مشروع، عقلایی و ضروری برای سازمان‌دهی فعالیت اقتصادی دانست که مبانی آن هم در منطق حقوق خصوصی و هم در ظرفیت قواعد عمومی فقه امامیه قابل شناسایی است. مشروعیت این نهاد به معنای مصونیت مطلق آن نیست و استقلال شرکت تنها تا جایی شایسته حمایت است که در مسیر اهداف مشروع حقوق تجارت مورد استفاده قرار گیرد. هرگاه شخصیت شرکت به وسیله‌ای برای تقلب، اضرار یا فرار از مسئولیت تبدیل شود، نظام حقوقی باید بتواند با حفظ اصل استقلال، آثار سوءاستفاده را خنثی سازد. چنین رویکردی می‌تواند میان اصالت مبانی فقهی، ضرورت‌های حقوق تجارت و نیازهای ساختار اقتصادی معاصر پیوندی متوازن و پایدار ایجاد کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Commercial companies constitute one of the principal institutional mechanisms through which contemporary economic activities are organized, capital is accumulated, investments are mobilized, and long-term commercial relations are maintained. Their legal operation depends fundamentally on recognizing the company as an entity distinct from its shareholders, partners, directors, and founders. Legal personality therefore

represents one of the foundational concepts of modern company law because it enables a commercial company to possess property, assume obligations, enter into contracts, institute or defend legal proceedings, and continue its existence despite changes in its membership. In Iranian company law, the independent personality of the company functions as the conceptual basis for the separation of corporate assets from the personal assets of shareholders and for the attribution of corporate rights and obligations to the company itself. Pasban considers legal personality one of the essential structural foundations of commercial companies, particularly because the separation between the company and its members makes organized and continuous economic activity legally possible (Pasban, 2021). Mojahed similarly emphasizes that independent corporate personality provides the legal framework through which the company can be distinguished from the natural persons participating in it (Mojahed, 2022). Nevertheless, despite the established position of legal personality in positive law, its jurisprudential justification remains an important theoretical issue in a legal system influenced by Imami jurisprudence. Classical jurisprudential discussions of partnership generally focused on shared ownership, contractual partnership, participation in labor, and the distribution of profits and losses, whereas the modern corporation possesses features such as independent property, transferable shares, institutional management, continuity beyond the lives of individual members, and organizational autonomy. Ahmadian notes that these characteristics make it difficult to reduce modern joint-stock companies completely to traditional jurisprudential forms of partnership (Ahmadian, 2022). Accordingly, the objective of the present study is to examine the jurisprudential and legal foundations of the legal personality of commercial companies, determine whether this institution can be reconciled with the general principles of Imami jurisprudence, and clarify the extent to which Iranian law provides a coherent framework for recognizing the company as an independent subject of rights and obligations.

From a conceptual perspective, legal personality refers to the legal recognition of an entity other than a natural person as capable of possessing rights and bearing obligations. In the field of company law, this recognition transforms the company from a mere contractual relationship among partners into an independent organizational entity. The importance of this distinction appears most clearly in the separation of assets, liabilities, legal capacity, procedural standing, and organizational continuity. Once capital is contributed to a company, the contributed property is no longer treated simply as directly co-owned property of the shareholders; rather, it becomes part of the independent asset pool of the company, while shareholders hold shares or participation rights representing their interest in the legal entity. Moghimi identifies this distinction between the company and its members as one of the defining characteristics of commercial companies and a principal basis for allocating rights and responsibilities (Moghimi, 2021). Mirzakhani Nafchi and colleagues likewise connect corporate formation and independent legal existence with the structure of partners' liability and the organization of corporate assets (Mirzakhani Nafchi et al., 2025). Legal personality also provides permanence because the company can survive the death, withdrawal, or transfer of interests of particular shareholders. This institutional continuity is especially significant in capital companies, where ownership may change repeatedly without affecting the legal identity of the corporation. Furthermore, legal personality allows directors and authorized

representatives to act on behalf of the company, so that transactions made within the scope of corporate authority are attributed to the company rather than personally to all shareholders. Comparative discussions of corporate organization demonstrate that the corporate entity cannot be explained merely as the aggregate of its shareholders, because ownership, control, decision-making, and liability are legally differentiated functions (Tingle, 2021). At the same time, legal personality must be distinguished from limited liability. The former concerns the independent legal existence of the company, whereas the latter concerns the extent to which shareholders' personal assets may be exposed to corporate debts. Sebastiani explains that limited liability and corporate separateness are closely related but analytically distinct concepts whose operation must also be evaluated in light of fairness toward creditors (Sebastiani, 2021). Thus, corporate personality should be understood as a comprehensive organizational framework that structures property, liability, representation, continuity, and procedural participation rather than merely as a statutory label.

The jurisprudential analysis indicates that the absence of the modern technical expression "legal personality" from classical Imami jurisprudence does not establish the incompatibility of the institution with Islamic legal principles. The more relevant question is whether jurisprudence possesses conceptual tools capable of recognizing an artificial or conventional entity as the bearer of legally protected interests and obligations. A significant basis for such recognition can be found in the concept of rational or conventional اعتبار, according to which legal relations need not always correspond to independently existing physical realities. Ownership, debt, agency, liability, and many other legal concepts operate through normative attribution and social recognition. Mohaghegh Damad's treatment of jurisprudential rules relating to property and liability illustrates the broad capacity of general jurisprudential principles to govern diverse financial relations (Mohaghegh Damad, 2025). From this perspective, the company may be understood as a rationally recognized institutional entity whose legal effects are accepted because they facilitate legitimate collective economic activity and do not inherently contradict a prohibitive rule. Custom and the conduct of rational persons further reinforce this analysis. Commercial practice has long treated companies as separate centers of property, management, contracting, and liability, and such widespread rational practice can have interpretive significance where no explicit prohibition exists. Goudarzi and Elmi Soula demonstrate that the jurisprudential concept of partnership itself has historically included different forms whose validity depends on their substantive characteristics and underlying legal reasoning (Goudarzi & Elmi Soula, 2021). Jalili and colleagues similarly show that Islamic schools have differed regarding the validity and structure of specific forms of partnership, confirming that partnership has never been a completely uniform or immutable category (Jalili et al., 2021). General principles such as the presumption of validity, contractual binding force, respect for property, and the obligation to honor lawful commitments can therefore support the recognition of newly developed organizational forms. Fatin Azar emphasizes the importance of binding contractual commitments in Imami jurisprudence and Iranian law (Fatin Azar, 2024). In addition, the no-harm rule provides an important limitation on the effects of corporate personality. Mesbah's analysis of the rule of no harm demonstrates its significance in preventing legal arrangements from producing unjustified harmful consequences (Mesbah, 2021), while Kouchaki likewise

stresses its broad role in Imami jurisprudence (Kouchaki, 2025). Consequently, the same jurisprudential principles that can justify independent corporate personality may also restrict reliance on that personality when it becomes an instrument of fraud, harm, or evasion of lawful obligations.

The legal analysis of Iranian company law shows that the independent personality of commercial companies is firmly recognized, even though the statutory framework does not always provide a comprehensive theoretical definition of the concept. The aggregate provisions governing formation, registration, management, property, litigation, dissolution, and liquidation reveal that the legislator treats the company as a legal entity separate from its members. Pasban explains that the independent status of commercial companies is reflected in their ability to acquire assets, undertake obligations, and participate autonomously in legal relations (Pasban, 2021). Darabpour and colleagues likewise place corporate organization within the broader principles of commercial law, where institutional independence facilitates commercial dealings and allocates legal consequences to the company rather than automatically to its individual members (Darabpour et al., 2023). Nevertheless, several questions remain insufficiently systematized, particularly concerning the exact commencement of personality in different types of companies, the limits of corporate capacity, the survival of personality during liquidation, and the legal consequences of abuse of corporate separateness. These issues become more complicated in single-member companies and corporate groups. Mousavi Mobarakeh demonstrates that single-member companies challenge traditional assumptions that a company necessarily reflects an ongoing relationship among several persons, while nevertheless retaining a separate legal identity (Mousavi Mobarakeh, 2023). Baghernejad shows that holding and subsidiary companies create additional difficulties because formally distinct companies may be subject to centralized economic control, raising questions regarding the responsibility of parent companies toward creditors and third parties (Baghernejad, 2023). The independent personality of each company should not be disregarded solely because ownership or control is concentrated, but neither should corporate separateness provide unconditional immunity where the company is deliberately used to conceal wrongdoing. Pargendler's analysis of corporate regulation demonstrates that legal systems may sometimes look behind the corporate form without completely denying the company's independent personality (Pargendler, 2021). This intermediate approach is particularly relevant to Iranian law because it permits preservation of legal certainty while recognizing that ownership, control, management, and liability may not always coincide.

The findings further suggest that one of the most important challenges is establishing appropriate limits to the principle of corporate separateness. Independent legal personality performs essential economic and legal functions, but excessive formalism may enable shareholders, controlling persons, or directors to exploit the corporate form to evade liabilities, conceal assets, or prejudice creditors. The doctrine of piercing the corporate veil has developed precisely to address exceptional circumstances in which strict adherence to separate personality would produce an unjust result. Maraš and Golić characterize veil piercing as an exceptional mechanism through which courts may disregard formal separation where the corporate form has been abused (Maraš & Golić, 2021). Sebastiani connects the doctrine to considerations of justice and argues that limited liability should not become an unconditional protection against the

consequences of abusive conduct (Sebastiani, 2021). Tsang and Ng importantly distinguish veil piercing from direct liability, emphasizing that a shareholder or director may sometimes be personally liable because of his or her own wrongful conduct even when the company's separate personality remains fully intact (Tsang & Ng, 2022). This distinction is highly relevant to Iranian law because it avoids using veil piercing whenever ordinary principles of civil liability are sufficient. The doctrine of abuse of rights also provides a possible domestic basis for limiting reliance on corporate personality. Jarfi and colleagues show that formally lawful exercise of a right may nevertheless produce liability where it is used abusively and causes unjustified injury to others (Jarfi et al., 2024). Similarly, Baranzehi and colleagues demonstrate through their analysis of shadow directors that substantive control and actual influence may sometimes be more significant than formal corporate titles when determining responsibility (Baranzehi et al., 2024). A coherent Iranian approach should therefore preserve separate legal personality as the general rule while developing precise and narrowly framed criteria for exceptional cases involving fraud, intentional asset commingling, evasion of existing obligations, artificial corporate structures, or abusive control. Such an approach would also be consistent with jurisprudential principles preventing harm and misuse of legal rights while maintaining the predictability necessary for commercial activity.

In conclusion, the study demonstrates that the legal personality of commercial companies can be justified simultaneously within the conceptual framework of modern private law and the general principles of Imami jurisprudence. Corporate personality is not merely a technical fiction but an institutional mechanism that enables the separation of assets and liabilities, organizational continuity, independent contracting, procedural standing, and coherent allocation of rights and obligations. Its absence from classical jurisprudential terminology does not prevent its recognition, because jurisprudence is capable of accommodating rationally constructed legal institutions whose purposes and effects are lawful. The combined operation of rational convention, custom, the conduct of rational persons, validity of lawful transactions, respect for property, contractual commitment, prevention of harm, and responsibility for abusive conduct provides a sufficiently coherent jurisprudential foundation for recognizing commercial companies as independent legal subjects. Iranian law has already incorporated the principal effects of corporate personality, but its doctrinal and legislative framework would benefit from greater clarity concerning the commencement and termination of personality, corporate groups, single-member companies, liquidation, direct liability, and exceptional disregard of the corporate form. The central policy requirement is to avoid two opposite extremes: absolute respect for corporate separateness even when it becomes an instrument of fraud, and excessive disregard of the corporate entity that would undermine commercial certainty and investment. A balanced framework should therefore recognize separate personality as the firm general rule while permitting carefully defined exceptions when corporate form is intentionally manipulated to cause harm, defeat legitimate claims, or evade binding obligations. Such an approach would strengthen the internal coherence of Iranian company law, preserve compatibility with jurisprudential principles, improve protection of creditors and third parties, and allow company law to respond more effectively to the organizational realities of modern economic activity.

References

Abedini, H., & Tarashion, S. M. R. (2024). Comparative study of board structures in Germany, China and Iran. *Comparative Studies of Islamic and Western Law*, *11*(4).

Ahmadian, S. A. (2022). *The legitimacy and rules of joint-stock companies in Islamic jurisprudence and law* Ilam University].

Anahid, F., & Ghorbani, S. (2024). The no-harm rule and its conflict with contractual binding force in Iranian law. Second International Conference on Law, Management, Educational Sciences, Psychology and Educational Planning,

Baghernejad, B. (2023). *Legal analysis of holding and subsidiary companies in Iranian law and common law* Tolou Mehr Higher Education Institute].

Baranzehi, N., Salarzaei, A. H., & Hosseini, S. H. (2024). Jurisprudential and legal analysis of shadow directors' civil liability in English and Iranian company law. *Private and Criminal Law Research*, *20*(2), 119-141.

Darabpour, M., Shayeganfar, A., & Darabpour, M. (2023). *Principles and foundations of domestic commercial law and transactions, book two*. Shahr-e Danesh Legal Research Institute.

Fallah Hashjin, S. (2024). *Corporate social responsibility in Iranian law with reference to international instruments*.

Fatin Azar, R. (2024). Comparative analysis of contractual binding force in Imami jurisprudence, Iranian law and French law emphasizing good faith. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *2*(2).

Ghaffari, M. (2023). Job security in private companies based on the rule of respect. *Legal Studies*(11), 149-160.

Ghayth Abdulrahman Hammoud, a.-T. (2024). *Corporate formation law in Iraq and Iran: A comparative study* University of Kashan].

Gholamalizadeh, A., Taghizadeh, E., & Chehkandinejad, A. (2024). Guarantee clauses in mudaraba and civil partnership contracts in Iranian law and Shia and Hanafi jurisprudence. *1*(4), 1-26.

Goudarzi, S., & Elmi Soula, M. R. (2021). Jurisprudential and legal reassessment of labor, mufawada and credit partnerships. *7*(12), 97-118.

Hosseini, S. M. R. (2021). *Economic analysis of corporate governance law: A comparative study*. Mizan.

Jalili, M., Fasihizadeh, A., Tabatabaei, S. M. S., & Mohammadi, M. (2021). Jurisprudential and legal validity of mufawada partnerships under Islamic legal schools. *Comparative Jurisprudence*, *9*(18), 201-222.

Jarfi, H., Jafari, A., & Abhari, H. (2024). Civil liability arising from abuse of rights in Iranian and French law: A comparative study. *Contemporary Comparative Law Studies*, *15*(35), 87-111.

Kouchaki, R. (2025). The no-harm rule from the perspective of Imami jurists. Fourth National Conference on Applied Ideas in Education, Psychology and Cultural Studies,

Mahrokh, A. M. (2025). Company formation law in England. Ninth International Conference on Religious Studies and Humanities in the Islamic World,

Maraš, I., & Golić, D. (2021). Piercing the Corporate Veil. *Kultura Polisa*, *18*(44), 279-291. https://doi.org/10.51738/Kpolisa2021.18.1r.4.03

Mesbah, A. (2021). A comparative study of the no-harm rule in the thought of Sheikh Ansari and Akhund Khorasani. *Jurisprudential Findings*, *1*(1), 57-80.

Mirzakhani Nafchi, Z., Tavana, A., Fallah Asadabadi, F., Zare, F., & Khorshidi, H. H. (2025). Legal and economic foundations of commercial company formation and liability of partners. Ninth International Conference on Modern Studies in Humanities, Education, Law and Social Studies,

Moghimi, M. A. (2021). *Commercial company characteristics and responsibilities in Iranian and Afghan law* Kharazmi University].

Mohaghegh Damad, S. M. (2025). *Rules of jurisprudence: Civil section, property and liability*. Islamic Sciences Publishing Center.

Mojahed, A. (2022). Corporate legal personality in Iranian and English law: A comparative study. *New Achievements in Humanities Studies*, *5*(49).

Mousavi Mobarakeh, M. S. (2023). Legal and jurisprudential nature of single-member companies in Iranian and English law. Second International Congress on Management, Economics, Humanities and Business Development,

Najafi, R., Zakaeian, P., & Molaei Kandelous, F. (2025). The rules of ma yadman and ma la yadman: A critical analysis of theoretical and practical challenges. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *3*(1), 1-26.

Osama Najm, A. (2023). *Legal effects of corporate mergers on shareholder and creditor rights: A comparison of Iraqi and UAE law* Al-Mustafa International University].

Pargendler, M. (2021). Veil Peeking: The Corporation as a Nexus for Regulation. *University of Pennsylvania Law Review*, *169*, 717-781.

Pasban, M. R. (2021). *Commercial company law*. SAMT.

Pasban, M. R., & Farahani, R. (2022). Independent directors in United States and Iranian company law: A comparative study. *Business Research*(102), 203-224.

Rauterberg, G. V. (2021). The separation of voting and control: The role of contract in corporate governance. *Yale Journal on Regulation*.

Sebastiani, A. (2021). Limited Liability and Justice: When Should We Pierce the Corporate Veil? *Mae*

Fah Luang University Law Journal, *4*(1), 57-84. https://doi.org/10.14456/mfulj.2021.2

Sharfman, B. S., & Moore, M. T. (2021). Liberating the market for corporate control. *Berkeley Business Law Journal*, *18*(2).

Sohrabi, H., Arabian, A., & Almasi, N. A. (2021). Modification of contractual obligations under French civil law as amended in 2016. *Economic Jurisprudence Studies*, *3*, 181-197.

Tingle, B. (2021). Two stories about shareholders. *Osgoode Hall Law Journal*, *58*(1), 57-108. https://doi.org/10.60082/2817-5069.3632

Tsang, K. F., & Ng, K. (2022). Direct Liability and Veil-Piercing: When One Door Closes, Another Opens. *Fordham Journal of Corporate & Financial Law*, *27*(1), 141-188.

Valaviyoun, R., & Najafzadeh, A. (2022). Civil partnership contracts: A jurisprudential and legal analysis of gaps and requirements. *Private Law Research*, *10*(39), 103-142.

Weidemaier, W. M. C. (2021). Piercing the (Sovereign) Veil: The Role of Limited Liability in State Owned Enterprises. *BYU Law Review*, *46*(3).